

اعلام همبستگی احزاب کمونیست و کارگری آسیا و اقیانوس آرام با زندانیان سیاسی ایران

دفاع از آزادی و استقلال میهنشان به زندانیان
افتاده اند، شدیداً محکوم می کنیم و خواستار آزادی
هرچه سریع تر همه زندانیان سیاسی ایران هستیم.

حزب کمونیست آمریکا، حزب کمونیست سربلانکا،
حزب متحده سوسیالیست ژلاندنو، حزب سوسیالیست
استرالیا، حزب کمونیست بنگلادش، حزب کمونیست
هند، حزب کمونیست فیلیپین، حزب کمونیست هند
(مارکسیست)، حزب کمونیست کانادا، حزب
کمونیست اندونزی، لیگ کمونیست اتحادیه کمونیست های
استرالیا، حزب کمونیست نیپال، حزب کمونیست
پاکستان و حزب دمکراتیک خلق افغانستان ●

دهها هزار نفر از اعضا و هواداران حزب توده ایران،
سازمان فدائیان خلق ایران (انگیزش)، سازمان
مجاهدین خلق ایران و دیگر سازمانهای مترقی و
دمکراتیک ایران سالهاست که در زندانهای جمهوری
اسلامی ایران تحت شکنجه های قرون وسطایی و بدون
برخورداری از ابتدایی ترین حقوق انسانی و
فانونی خودسر می برند. تاکنون بیش از ده هزار
نفر اعدام و یازده هزار شکنجه کشته شده اند. شرایط
دشوار و غیرقابل تحمل برای زندانیان و فشارهای
جسمی و روانی بر آنان روز بروز شدیدتر می شود.
ما امضاکنندگان، اعمال ترور و شکنجه و نقض
ابتدایی ترین حقوق انسانی نسبت به میهن پرستان
در بندهای ایرانی را که بخاطر عقایدشان دوستانه

سیاست ادامه جنگ و انزوای جهانی رژیم خمینی

شورای امنیت سازمان ملل متحد، در آخرین
نشست خود در ۳۰ تیرماه، قطعنامه ای را دربار
جنگ ایران و عراق به تصویب رساند. تصویب این
قطعنامه که به دنبال ماهها مذاکره میان ۵ عضو
ثابت و دائمی شورای امنیت و توافق اولیه آنان
صورت می گیرد برای اولین بار در سالهای اخیر
است که همه اعضای شورا در تصویب آن اتفاق رای
می یابند، و اجاد اهمیت سیاسی جدی است.
اقدام یکپارچه شورا در صورتی که قطعنامه
در تاریخ فعلیت های سازمان ملل متحد را قطع
جنگ ۷ ساله ایران و عراق، کاملاً بیسابقه است.
تا این زمان، مقاومت دولت ریگان و نزدیکترین
متحدان آن در مانع از آن بوده که شورا
چنین قاطعیتی علیه جنگ اعلام موضع کند.
ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی آمریکا
و جهان به رهبری دولت ریگان از ادامه جنگ در
جهت تقویت مواضع امپریالیسم در منطقه بیشترین
بهره را برده اند. دولت ریگان هم اکنون نیز با
توسل به همین بهانه، بزرگترین ناوگان جنگی
پس از جنگ دوم جهانی را به منطقه خلیج فارس
گسیل کرده است. اما حالا وضع در مقابل با گذشته
دستخوش تغییراتی شده است. بنحوی که ریگان
را واداشته است پای این قطعنامه را امضا کند.
در سال گذشته ریگان برای کردن آخوندها
در بر در بنال " واقع بین های حکومت" به سرور
رژیم سرب کثیدتا به آخوندها بفهماند که امپریالیسم
آمریکایی نسبت به جمهوری اسلامی حسن ظن دارد و بین
آندو وجه مشترک آنقدر زیاد است که آنها را محکم
بهم پیوند می دهد. در همین رابطه دهها میلیون
دلار اسلحه تحویل جمهوری اسلامی داد. تلاشهای
آمریکا با استقبال جمهوری اسلامی روبرو شد. چرا که
سرن رژیم در شقیب سیاست نزدیکی به غرب برای
جلب حمایت آمریکا تلاش می کردند. اما امروز توافق
دولت ریگان با اتیکار می صلح سازمان ملل متحد
قبل از هر چیزی بیگانه آن است که آن دولت اعمال
فشار بر خمینی را برای پیشرفت سیاست خود در منطقه
و در رابطه با جمهوری اسلامی ضروری می داند.
رای دولت آمریکا به قطع نامه شورای امنیت
بیانگر آنست که دولت ریگان تحت تاثیر روانی
ناتانی از آفتاب زدوبندیهای سازمانهای
مدور اسلحه به ایران اکنون مجبور به عقب نشینی
شده و می گوید خود را طرفدار قطع جنگ معرفی کند. اما
دولت ریگان علیرغم اعلام طرفداری خود از قطع
جنگ همچنان در راه گسترش حضور استراتژیک خود در
منطقه خلیج فارس گام بر میدارد.

دولت ریگان در پی تحریک مخالفان وسیع بخش
سیاری از محافل حاکم و افکار عمومی آمریکا با
گسیل ناوگان جنگی خود به خلیج فارس موافقت و
اعلام کرده است که در مقابل حملات رژیم ایران به
این عمل دست زده است و می گوید به رژیم خمینی
فشار وارد آورد. از نظر نظامی این فشارها در جهت
تقویت مدام در مقابل جمهوری اسلامی تاثیر می کند
در وضع فعلی این مانور امپریالیسم آمریکا
قطعاً از سوی رژیم خمینی وسیعاً مورد استفاده قرار
خواهد گرفت. رژیم از هم اکنون وسیعاً به
عوارضی خدا میبندد. روی آورده است رژیم
می گوید از حضور ناوگان جنگی آمریکا استقبال
نمی کند و برای پیشبرد سیاست ادامه جنگ
وضد امپریالیستی جلوه دادن آن و تلاش مجدد برای
فریب مردم بهره برداری کند.

علاوه بر آن دولت ریگان در پی ترمیم اعتماد
دولت مرتجع عرب به آمریکا و جبران افتخاح ایران
کیت است. همچنین لازم به تاکید است که مواضع
صلح خواهانه اتحاد شوروی و ابتکارات فعال آن
برای تحقق صلح در منطقه راه خود را می گشاید.
آخرین ابتکار اتحاد شوروی، پیشنهادش برای
خروج نیروهای خارجی از خلیج فارس و قطع فوری
جنگ در ۱۳ تیرماه بود. دولت ریگان از استقبال
دولتها و نیروهای صلح دوست منطقه را بستکار
شوروی بیمناک است.

بقیه در صفحه ۱۵

خلیج فارس در آستانه فاجعه
در صفحه ۲

اطلاعیه مشترک برای مطبوعات

برگزاری نخستین دیدار شوروی احزاب
کمونیست و کارگری آسیا و اقیانوس آرام
از تاریخ هفتم تا نهم ژوئیه ۱۹۸۷ (۱۶ تا ۱۸ تیر
۱۳۶۶) در اولان باتور پایتخت جمهوری مسوودا
مغولستان، ملاقات شوروی احزاب کمونیست و کارگری
تحت عنوان " صلح، امنیت، همکاری و حسن همجواری
در منطقه آسیا و اقیانوس آرام" برگزار شد.
اولین بار است که احزاب کمونیست و کارگری
منطقه آسیا و اقیانوس آرام برای تأمین امر صلح
امنیت و همکاری بر اساس حسن همجواری تشکیل
جلسه می دهند. در این دیدار مهم شوروی احزاب
کمونیستی و کارگری زیر شرکت داشتند:
حزب انقلابی خلق مغولستان، حزب کمونیست
اتحاد شوروی، حزب کمونیست آمریکا، حزب کمونیست
ویتنام، حزب انقلابی خلق کامبوجیا، حزب انقلابی
خلق لاوس، حزب دمکراتیک خلق افغانستان، حزب
کمونیست کانادا، حزب کمونیست هند، حزب
کمونیست هند (مارکسیست)، حزب کمونیست پاکستان،
سازمان فدائیان خلق ایران (انگیزش)، حزب
توده ایران، حزب کمونیست اندونزی، حزب
سوسیالیست استرالیا، اتحاد دیر برای وحدت استرالیا،
بقیه در صفحه ۹

انتخابات مجلس، عرصه جدید افشای رژیم

مطابق آخرین اطلاع وزارت کشور، انتخابات
مجلس سوم در اسفندماه امسال برگزار می شود. ما
در شماره گذشته "کار" یادآور شدیم که "سروشست
مجلس سوم و اینکه بوسیله کدام جناح قبضه شود از
موضوعات جدیداً اختلاف دوجریبا است. . . و هر دو طرف
برای در دست گرفتن کنترل مجلس آینده دست به
کار شده اند. . .". رویدادهای ماه گذشته مویسد
ارزیابی فوق بوده است.
افشای جناحی حکومت علیه یکدیگر ادا شده
پیدا کرد و انتخابات "مجلس سوم" به کانون اصلی
مبارزه تبدیل شد. این مبارزه بیش از هر چیزی
خود را در کورهای وزارت کشور و طرفداران معموم و کلاسی
جناح رسالت حول استماعیات اخیر این وزارتخانه
نشان داد. رسالت و "ارتکوز" "تفتیش" رسالتی -
هاست. محتشمی به اعتراض گفته است: "هر کس گسه
مخالف دولت باشد، ما بدون درود بر باجی کتایش
می گذاریم" (رسالت ۳۱ خرداد ۶۶).
در این رابطه محتشمی بیش از ۳۰۰ مسئول را
بجا کرده و حدود ۱۵۰ نفر از آنان را برکنار کرده
است. برکناری استادان و فرمانداران
تعدادی از شهرهای این استان، برکناری فرماندار
گرگان و استماعیات جدید در استان هرمزگان از جمله
این تغییرات در این اواخر بوده است.
این قضیه به منظور قبضه مجلس سوم صورت
می گیرد. در این رابطه روزنامه رسالت اظهارات
یکی از معاونان محتشمی را نقل می کند که گفته
است:

"اگر ما بخواهیم در آینده مجلس یک دست داشته
باشیم، ناچاریم تمام استانداران و فرمانداران
بقیه در صفحه ۲

نهمین کنگره جهانی زنان در مسکو

در صفحه ۵

اعتصابات کارگری گسترش می یابد

طی ماههای اخیر دامنه اعتصابات کارگری گسترش
یافته و حرکات تعرضی خود بخودی و بعضاً سازمان یافته
کارگری روبه افزایش نهاده است. اعتراضاتی که
در کارخانجات کفش ملی، سینتا، الیاف، خاورکشت
و صنعت کارون، کشتی سازی خلیج فارس و سایر برنجی
رشته های خدماتی نظیرا اعتصابات رانندگان کامیون
و ترابری ها روی داد، بیباکتر گسترش جنبش اعتراضی
و مطالباتی کارگران است. اما هنوز زود است گفته
شود که جنبش توده های کارگری از حالت دفاعی به
حالت تعرضی درآمده است.
زمینه عمومی علت اصلی این اعتصابات،
ناراضی از رژیم و مخالفت با سیاست جنگی حاکمیت،
فشار اقتصادی، اخراجهای گسترده و بی وقفه و انواع
تبعیضات و حق کشی های گوناگون است. از نظر
سازمانی، نمی توان گفت، نسبت به نیمه دوم
سال ۶۵ تغییر مهمی بوجود آمده است. برخی از
اعتراضات و معروضات پیشروان را بر خود دارند، اما
بقیه در صفحه ۴

اعتصاب غذای دلاوران زندانیان سیاسی

از روز بیستم نهم زندانیان مبارز شکنجه گاه این
یکبار ردیگر دست به اعتصاب غذا زده اند. اعتصاب، در
اعتراض به رفتار خونخوار زندانیان، نا انصافانه
زندانیان به سلولهای انفرادی، کمبود غذا، آب و کت
و نا کافی بودن جیره غذایی و کیفیت نازل آن صورت
گرفته است.

همزمان با اوین، در زندان کوه دشت نیز زندانیان
سیاسی و معارض جمعی دلاورانهای را در برابر شکنجه
سازمان دادند. در این زندان نیز به دستور مسئولین
رژیم، تصفیه تازه ای علیه زندانیان اعمال گردید.
پاسداران برای درهم شکنی مقاومت زندانیان به
درون زندان ریختن و زندانیان مبارز را به شدت
مورد ضرب و شتم قرار دادند.

اعتصاب باخیز زندانیان سیاسی ایران، دومین
اعتصابی است که طی سه ماه اخیر در زندانهای ایران
صورت می گیرد. اعتصاب قبلی در اردیبهشت ماه و به
منظور اعتراضی به نحوه توزیع غذا در ماه رمضان در
زندانیان اوین شکل گرفته بود. بیش از آن نیز در ماههای
آبان و آذر زندانیان سیاسی وین دست به اعتصاب
بلندمدتی زد بودند.

اعتصاب غذای زندانیان اوین همچنان ادامه
دارد. دشمنان برای وادار ساختن زندانیان به قطع
اعتصاب از هیچ دستانه تر فرکانه نمی کنند. زندانیان
مبارز در برابر شکنجه های قرون وسطایی مقاومت می کنند
و رژیم که از زتاب خبر این حرکت رزمجویانه ندر هر اس
است، می گوید با قطع ملاقات زندانیان و خانوادهاشان
مانع از نشانه رعبا اعتصاب و جنایات خود، در سطح کشور
گردید. جان زندانیان سیاسی در خطر است. ما همه توان
خود را میز رزات قهرماناناه فرزندان در بند خلق
پشتیبانی کنید!

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

خلیج فارس در آستانه فاجعه

اوضاع مشتعل خلیج فارس به مرحله‌ای بحرانی و خطرناک رسیده است. دولت آمریکا اعلام کرده است که برچم خود را بر کشتی‌های کوییتی نصب خواهد کرد. آمریکا به بهانه حمایت این کشتی‌ها ناوگان جنگی عظیمی را به آبهای خلیج فارس گسیل کرده است.

اقدام تجاوزکارانه و گستاخانه دولت ریگان در تقویت نیروهای نظامی آمریکا در خلیج فارس که به بهانه نامین "کشتی رانی آزاد" در خلیج فارس صورت می‌گیرد، بمنظور حفظ و تحکیم موقعیت امپریالیسم آمریکا در منطقه و دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه است. محورا اصلی تبلیغات امپریالیستی برای توجیه این اقدامات تجاوز - گرانه، همان ترجیح بندهمیستی یعنی "خطر شوری" است. ریگان در یک مصاحبه مطبوعاتی در اوایل ماه گذشته اعلام کرد: "اگر ما دست به محافظت از نفت کشتی‌ها در خلیج فارس نزنیم، شوری‌ها این کار را خواهند کرد" و "اگر یک میلیون محافظت نفت خلیج فارس شود، امنیت ملی آمریکا به خطر خواهد افتاد". در همین زمینه و این سرگریز در دفاع آمریکا نیز اعلام کرد: "اگر ما اینکار را نکنیم شوری خلیج فارس را به دریاچه داخلی خود مبدل خواهد ساخت".

برخلاف سیاست تجاوزکارانه و تیلینف سیاست عوامفریبانه امپریالیستی آمریکا، اتحاد شوروی از همان ابتدای سیاست متکی بر رفع تنش در منطقه را دنبال کرده است. اعلامیه دولت شوروی ۱۳۴۲ تیرماه راه‌زانی رفع تنش در خلیج فارس را بروی تریسم کرده است. در این اعلامیه دولت شوروی خواستار آن شده تمام ناوهای جنگی کشورهای غیر ساحلی در کونا تریسم مدت از آبهای خلیج فارس خارج شوند و بر آن وعده‌ای سبب خود از عملیات سیاسی که امنیت کشتیرانی بین المللی را تهدید می‌کند، خودداری نمایند. در اعلامیه بکار در کبر موضوع اصلی اتحاد شوروی در مورد اینان گرفتن جنگ ایران و عراق بعنوان عامل اصلی تنش در منطقه اشاره شده است.

سیاست تجاوزکارانه آمریکا موحی از مخالفت در سراسر جهان را برانگیخته است. نه تنها کشورهای سوسیالیستی و نیروهای صلح دوست جهان، بلکه حتی در میان متحدین ناتوی آمریکا و در خود این کشور نیز موج مخالفتها گسترده است. کنگره آمریکا در این باره تاریخ ۱۳۴۲ تیرماه برچم آمریکا بر کشتی‌های کوییتی را به توجیهی نداد. علاوه بر کنگره، بیسیاری از محافل و شخصیت‌های معروف آمریکا بی‌علنا با طرح ریگان به مخالفت برخاستند. اکثر متحدین ناتوی آمریکا نیز تکراراً و مخالفت خود با این

انتخابات مجلس... بقیه از صفحه اول را عوض کنیم و آقای محتشمی مشغول این کار است. (رسالت ۳۱ خرداد) در همین رابطه است که نا طبق نوری می‌گوید: "آقایان در انتخاب نشان به بهانه‌ها هتگی با دولت یک نفر "غیربانی" نصب نکردند" (کیهان ۲ تیرماه).

درگیری دوجناح به حدی سابقه‌ای شدید شده است. محتشمی مخالفان دولت را تفضیه می‌کند، در همان حال مشا و را می‌گوید که "برخورد جناح مخالف دولت... برخورد جدی است. برخوردش با وزارت کشور برخوردی است که با "مناقضین و ماکسیت‌ها" میکنند... این اظهارات شدت درگیری دوجناح را نشان می‌دهد که با نزدیک شدن انتخابات مجلس سوم شدیدتر شده است.

درگیری جناحها در جریان تعویض استانبول خراسان با لاکرتف و باز اردشنا کمونی و خط نشان کشیدن هاداغ تریشد. اشمه جمله استان خراسان طی اعتراضیه‌ای که در روزنامه رسالت (۲ تیرماه) به چاپ رسید، به تعویض استانبول اعتراض کردند و با لحنی تهدیدیه میز عمل وزارت کشور را زمینه ساز عدم همکاری اشمه جمعه با فرمانداران و بخشداران خواندند، و واعظ طیبی نماینده خمینی در خراسان در حمایت از استانبول را با بق. وزارت کشور را محکوم نمود.

درباره اقدامات دولت، طرف مقابل نیز بیگانه‌نمانده است: سران با زار بعد از انحلال حزب جمهوری اسلامی، که رسالتی‌ها و نتایج را با اکثریت شورای مرکزی آنرا تصحیر کرده بودند، ساسین شورای مرکزی اصناف تهران "را اعلام کردند و طی اعلامیه‌ای خطاب به وزرا و بخشداران ارگانها، نهادهای سازمانها و کارکنان آنها را از این پس از شورا سخنگوی تجار و میلیاردرهاست با زار خواهد بود، و عسکروا لادی نماینده سرشناس تجار با زار در رابطه با انتخابات مجلس سوم، خط با زار روشن ساخت و گفت:

خودشان باید در مجلس حاکم باشند در این زمینه کارهایی انجام داده‌اند... بدجا معاندان منجم‌های

ما جراحی‌هایی تازه را اعلام داشتند. اما علیرغم این مخالفتها در قطعا مه سران ۷ کشور بزرگ سرمایه‌داری درونیز، که در مورد جنگ ایران و عراق مآ درند، متحدین آمریکا از موضع این کومینرسی برافزایش حضور نظامی در خلیج فارس به بهانه "به خطر افتادن امنیت کشتی رانی" پشتیبانی کردند. با وجود مخالفت گسترده و همگانی، دولت تجاوزکار آمریکا از سیاست دخالت خودیانه خود عقب‌نشست، ریگان اعلام کرد: "به سادگی در زیر فشارهای موجود خم نخواهد شد و سیاست خود در رابطه با خلیج را تغییر نخواهد داد. "برای اجرای این نقشه تجاوزکارانه، دولت آمریکا، از پیش از یک ماه پیش به اعزام ناوهای جنگی بسوی آبهای خلیج فارس اقدام کرده است. بنا به گفته سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، در حال حاضر ناو جنگی شامل رزمنا و کشتی‌ها و ناوهای مجهزه موشکهای هدایت شونده، یک ناو هواپیما بر... در خلیج فارس مستقر و آماده عملیات جنگی هستند. ناوهای دیگری نیز در راه پیوستن به این گروه هستند. روزنامه آمریکا بی "بیزور" نا ساخت که کشتیهای جنگی مستقر در داخل و خارج خلیج فارس بزرگترین ناوگان جنگی دریایی از زمان جنگ دوم به این طرف می‌باشد. امپریالیستی آمریکا بی این ناوگان جنگی را بمثابة مشت آهنینی علیه منافع خلقهای منطقه بکار گرفته‌اند.

رژیم خمینی با سرگردانی که در اتحاد عراق زمینه‌ساز اصلی سیاست تجاوزکارانه آمریکا و افزایش حضور نظامی این کشور در خلیج فارس است. ادامه جنگ عملا بهترین بهانه برای دولت ریگان برای اجرای نقشه‌های مداخله خودیانه خود داد. جمهوری اسلامی سبب خودیانه اقدامات ما جراحیانه بر پیشانی اوضاعی افزایش حمله به نفت کشتی‌ها، بستن راه برگشتی‌های تجاری و گسیل نیرو به منطقه از جمله این اقدامات ما جراحیانه است. بنا به گفته سخنگوی سیاه، رژیم جراحیانه بزرگ خلیج فارس را به صورت ناوگان عظیمی در آورده است که "براحتی می‌توانند کلیه شناورها و تجهیزات دریایی دشمنان را اشکال کنند". در راستای همین سیاست روز ۷ تیر مرحله‌هایی ما نورد دریایی در اقلق را حضور نخست وزیر در آبهای جنوبی کشور برگزار شد. با استفاده از اوضاع و اوضاع، عمل رژیم به سنج گسترده نیرو و اعزام آنها به جبهه دست زده‌اند. دهها گردان به نام "شهادت طلبان خلیج فارس" راهی میدان مزرگ شده‌اند. این "شهادت طلبان" جوانانی هستند که توسط ما مورین صلح رژیم در کوه و کنار و کشتی‌ها و شناورها در اوج جراحی تازه خمینی، قربانی اهداف

اسلامی (با زار) خودشان را آماده کند تا وظایف خود را در انتخاب صلح بتوانند انجام دهند. " در این میان خمینی فرمان داد که "تم... و تهران" از خمینیگان که نماینده برای شهرستانها خودداری کنند. علاوه بر آن او دستور داد که اشمه جمعه شهرستانها از تبلیغات به سودگان نماینده آنها که نماینده آنان نامی که امام جمعه هستند، خودداری کنند، و این دستورات در مجموع به زید رسالتی ما تمام شده است.

منظری در سخنرانی‌های متعدد، نگرانی خود را از آزاد شدن درگیری جناحها آشکارا ساخت و علیه "کخطی" شدن مجلس و عقابان هند را داد. او تا آنجا پیش رفت که کوشش برای محدود کردن مجلس سوم به "یک کاتال و افراد خاص" و ایجاد "مجلس یک خطی" را "خیانت به مردم و انقلاب و کشور" نامید. تلاش جناحها برای قیضه مجلس سوم، در واقع تدارک قیضه کامل که بی‌بینه نیست. رسالتی‌ها تلاش می‌کنند که اکثریت مجلس را به دست آورند و از آن راه طریق افراد مورد اعتماد خود را در وزارت خانه‌ها و کابینه قرار دهند. اکنون جناحین حزب الله را تر از همیشه، به یکدیگر چنگ و دندان نشان می‌دهند و زهر فرمتی برای خالی کردن زیر پای طرف مقابل بهره می‌گیرند و تلاشهای خمینی برای حفظ وحدت در جبهه حزب الله بیش از پیش کم‌اشرفی نمود.

در این میان شایان توجه است که رسالتی‌ها در گریه و دروغای قدرت با جناح دیگر برای هوار کردن راه بیروزی خود، سرکوب بخش دیگری از نیروهای درون جمهوری را نیز تدارک می‌بینند. آماج این سرکوب ظاهرا کشتی‌ها هستند که با دفاع نظریات مطهری مورد خشم رسالتی‌ها قرار گرفته‌اند. در این رابطه صحبت‌های کنی بویژه قابل توجه است:

مهدوی کنی، آخوند مودعا عمدا دخمه‌ی کنی که در اغلب تحولات درون حکومت نقش جدی داشته است، در یک سخنرانی که روزنامه رسالت آنرا "تاریخ" ارزیابی نمود، اظهار داشت: از این طرف و آن طرف صحبت می‌شود که آقایان روحانی طرفدار شروتی‌هاست... من یک وقت برای آن خط

ارتجاعی او شوند. اصرار رژیم بر ادامه جنگ و ماجراجویی‌ها و اقدامات تشنج آفرین آن، منطقه را بطرف یک فاجعه سوق میدهد.

رژیم خمینی که می‌گوید خود را هدف اطمینان اقدامات تجاوزکارانه آمریکا و نمود سازد، با دست زدن به تبلیغات جنون آمیز مذهبی و شوونیستی و تحریک احساسات فدا مپریالیستی توده‌های مردم در صدمات که توده‌های مردم را به پشتیبانی از سیاستهای ارتجاعی خود جلب کند. رژیم از دست زدن به احساسات فدا مپریالیستی و برانگیختن جوش و شور در عین حال هدف به فرا موشی سیرد ن اقتضای معاملات بینانی و سیاستهای سازگارانه با مپریالیستی آمریکا را نیز دنبال می‌کند. در این کار از جنون آمیز، رواج دشمنی با اتحاد شوروی نیز تعقیب می‌شود. سران جنایتکار رژیم بی‌اعتنا به سیاستهای انقلابی صلح دوستانه و اتحاد شوروی مبتنی بر رفع تنش و برقراری صلح، این کشور را نیز در کنار امپریالیسم آمریکا آماج تبلیغات زهر آکین خود قرار داده و آنرا دشمن ایران مرفعی می‌کنند. علیرغم آنکه هاشمی رفسنجانی اعلامیه دولت شوروی را "بسیار مترقیانه" خواند و گفت "هرکس با آن مخالفت کند، معلوم است که می‌خواهد خود را بکشد" اما با کارهای یک بخش از آن یعنی عدم حمله به کشتی‌های تجاری در خلیج فارس موافقت کرده است. منتظران چنین "امام" نیز در سرفرازی ۱۵ تیرماه خود خطاب به مردم گفت: "هم آمریکا و هم شوروی در خلیج فارس ناوگان‌های جنگی آورده‌اند، تا از بیروزی شما مردم جلوگیری کنند". این تبلیغات ضد کمونیستی گستاخانه به اشکال متفاوت از سوی رژیم جمهوری اسلامی ادامه دارد و هدف آن ایجاد دشمنی با اتحاد جماهیر شوروی و خشنی کردن تأثیر مثبت اقدامات انقلابی و صلح دوستانه آن در ذهن توده‌های کارگران و زحمتکشان میهن ما است.

سیاست تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا و اقدامات ما جراحیانه و ارتجاعی جمهوری اسلامی مبتنی بر ادامه جنگ، خلیج فارس و تمامی منطقه را در آستانه حوادثی فاجعه بار قرار داده است. وظیفه همه کمونیستها، کارگران و انقلابیون و همه نیروهای صلح دوست و ترقیخواه ایران برای جلوگیری از این فاجعه، در قدم اول شدیدانه جانب مبارزه علیه جنگ و برای صلح است. اقدام مشترک و هماهنگ در مبارزه علیه جنگ و رژیم جنگ افروز خمینی و افشای واقعیتها استراتژی تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا بیش از هر زمان به وظیفه عاجل همه نیروهای انقلابی و مبارز ایران تبدیل شده است.

قهر ریگان (مهدی هاشمی) گفت... که ما ما با یدیان خط و خاکریز رافتح بگندودیدیم که ما ما آن رافتح کرد. کتی، ضمن انتقاد از آثار "مطهری" و حمله به کسانی که کتاب "اقتصاد اسلامی" و مقاله "ماشین" را و چاپ کرده‌اند، گفت:

یک خط دیگر با قیما نده است که این راه هم امام باید ففتح بگندودان خط هم فتح می‌شود، بگذارید اینها که این حرفها را می‌زنند، خوب دستشان را بزنند... (رسالت ۳۰ خرداد).

قبلا رشتیدان نماینده آیدان ضمن حمله به کسانی که مطهری را زیر سوال برده‌اند، آنها را به حمایت از شروتی‌ها و دشمنی با مردم آموخته است که به نشان می‌دهد که کنی انگشت اشاره را به کدام سمت گرفته است.

درگیری دوجناح برای قیضه مجلس به هرتجملی در تقسیم‌گرمی‌های مجلس ارتجاع بی‌انجام، وضع زحمتکشان ایران دگرگون نخواهد شد. چرا که هر دو جناح و مجموعه هیات حاکمه ارتجاعی علیه مردم هستند. تجربیات گذشته به مردم آموخته است که به انتخاباتی رژیم که هزاران تن از فرزندان انقلابی آنها را به جوخه عدام سیرده و دهها هزار تن دیگر را زندانی کرده و برای کشور جزرم کرده، ویرانی جنگ و اختناق چیزی به ارمان نیاورده، اعتقاد نکنند. مردم مدتهاست که راه خود را از رژیم جدا کرده‌اند و اکنون به به خیمه شب بازی انتخابات، بلکه به سرنگون ساختن رژیم تنبکبار رفقا می‌اندیشند. افزایش درگیری‌های درونی رژیم بر خود و امکانات نویینی برای گسترش مبارزه مردم در راه سرنگونی رژیم فراموشی سازد، با انتخابات مجلس سوم از این دیدگاه که دسته‌های درون حکومت به جان یکدیگر می‌افشند، ماهیت ضد مردمی خود را افشا می‌کنند و نشان از فساد انقلابی مجموعه رژیم را تحلیل می‌برند. اما کاتال تازه‌ای برای سردهای انقلابی فراهم می‌کنند و عرصه مهمی برای افشای رژیم و بسیج نیرو علیه آن خواهد بود.

راه پیروزی جنبش ملی خلق کرد

با قرار رسیدن ۲۸ مرداد، هشت سال از آغاز پیروزی محجانه نیروهای سرکوبگر رژیم خمینی به جنبش ملی خلق کرد می گذرد.

در ۲۸ مرداد ۵۸۵ خمینی فرمان داد جنبش ملی خلق کرد سرکوب شود و همزمان با آن سازمانهای مبارز و دمکراتیک در سراسر کشور مورد یورش حزب الله را گرفتند. این همزمانی تصادفی نبود، خمینی به پیوند جنبش سراسری طبقه کارگر و جنبش ملی خلق با تحت ستم ایران واقف بود و آن در هر اسب خود او را پیرو سرکوب همزمان آنها را لازم دانست و آن در رنگ و بوی کرد.

اکنون هشت سال از ۲۸ مرداد سپاه گذشته است و جنبش ملی خلق کرد، همپای جنبش انقلابی سراسری بر آجل پر فراز و نشیبی را طی کرده، در سه ساله ای بسیاری آموخته، و تجارب برپایه ای اندوخته است. جنبش ملی خلق کرد با گوشت و پوست خود و به بیای نایبای بسیار ریش از هر زمان دیگر این حقیقت ادومی با بدگما مبارزه اش بدون پیوند با جنبش سراسری طبقه کارگر ایران، که بوسیله سازمانهای حونیست نمایندگی می شود، فاقد درونمای و روشن است.

خلق کرد در رژیم شاه، برخوردار سمانه سلطنت الیبا با مسائله ملی را چه در آن زمان که قاضی حیدر با بوشله در سراسر کشور کشیده شدند و چه آننگام که رژیم شاه را در ها به رگبار ریخته شدند. تجربه بعد از انقلاب بیمن نیز ضمن آنکه درنده خوبی حیوان مفتی رژیم ولایت فقیه را در مواججه با جنبش ملی به چشم دید، برخورد فرصت طلبانه برپایه بورژوا - لیبرال از باز زگان و شرکاء اجبه ملی و دیگران را مشاهده کرد و دید که بورژوازی لیبرال مخالف جدی حق تعیین سرنوشت خلقها و بود مختاری کردستان است. امروز نیز خلق کرد تجربه می کند که چگونه با نیروی سرکوبگر بورژوا - لیبرال - لیبرال اپوزیسیون رژیم وقتی اسم خود مختاری خلق کرد در بیمن آزاد، دمکراتیک و انقلابی را می شنوند، بلافاصله به یاد لبم کردن آنها "تجزیه طلبی" می افتند.

همه این تجربیات مدلل می کند که تنها جنبش حونیستی ایران بنا به ماهیت خود همواره مدافع بگرومانت بد قدم خلقهای تحت ستم کشور بوده است، فقط کمونیستها هستند که بدون قید و شرط حق خلقها، تعیین سرنوشت خویش را به رسمیت می شناسند و رعمل از آن دفاع می کنند. خطی سازمان ما در ربحا سیاست است تا درست در قبال جنبش ملی خلق کرد در سالیهای ۶۱ - ۶۰، به هیچوجه واقعیت تاریخی قاطع جنبش کمونیستی ایران از حق تعیین سرنوشت خلقها و مشخصا خلق کردستانی شواذ گذشته دار نیست.

برپایه تجربیات فوق باید جنبش ملی خلق کرد را از ایده راضی کردن بورژوازی لیبرال به پذیرش خواست خود مختاری و پایداری بی شاعر زان گذرد. با بداین جنبش را قاطعانه در راه اتحاد با جنبش کمونیستی و کارگری سازمانهای پیشاهنگ بر قرار داد. هرگونه تزلزل در این راه در نهایت به زیان منافع خلق کرد است. جنبش ملی خلق کرد بدون این اتحاد قاطع در به کسب حقوق پایمال شده خود نیست. بر این پایه است که سازمان ما در راه این نزدیک، کوشیده و می کوشد. بر این پایه بوده است نه سازمان ما در این ۶۳ حزب دمکرات با اتحاد عمل فراخواننده و رتداوم فراخوانهای متعدد خود از شعار رجهه ضد امپریالیستی - دمکراتیک حزب دمکرات استقبال نموده و حزب را با اتحاد شخصی دعوت کرد. تا آنجا که بد سازمان ما مربوط می شود، ما همه امکانات را برای تأمین همکاری و اتحاد همه نیروها بکار گرفته ایم و در این راه قاطعانه اقدام کرده ایم. متأسفانه هنوز حزب دمکرات کردستان زبردان گام های استوار در راه عملی کردن آنچه اعلام کرده، با زمانده است. این در حالی است که جنبش ملی خلق کرد در وضعیت دشوار، پیچیده و حساسی قرار دارد و ضرورت اتحاد نیروهای ملی کردستان با نیروهای انقلابی و مترقی سراسری زهر زمان دیگری بیشتر شده است.

جنبش ملی خلق کرد همچنان بنیادش رژیمهای رتج ایران و عراق و مواجست. رژیم ایران می کوشد اپوزیسیون صدام را به خدمت خود در آورد. صدام بزه همین سیاست را دنبال می کند. در این راستا در پیروزی حتی از تحت فشار قرار دادن اپوزیسیون رژیم مقابل خود خود را نمی کشند. به شوب بستن به ظاهر "تصادفی" مقرهای سازمانها و حزب مترقی برانی در کردستان توسط رژیم صدام برای کاشاندن بن نیروها به مناطق تحت نفوذ خود جهت تحمیل راده خود بر آنها جلوه ای از این سیاست است. اکنون نیروهای مترقی ایرانی مستقر در مناطق زانده کردستان عراق، در میان گازانبه

عملیات تروریستی رژیم علیه مهاجرین سیاسی

در روزهای اخیر حملات تروریستی رژیم خمینی به مهاجرین سیاسی در پاکستان، آتریش و انگلستان دهها نفر کشته و زخمی شدند. در پاکستان، او با شان جمهوری اسلامی که مسلح به سلاح گرم و نارنجیک بودند، از هیچ وجهی دستبردار نیستند. اینها نشان خودداری نکردند. حمله حزب الله "بنا توافق کامل رژیم مزدور و وابسته به امپریالیسم ضیاء الحق صورت گرفت. پلیس پاکستان نه تنها در مقابل مهاجرین هیچ عکس العملی نشان نداد، بلکه پس از این جنایات به دستگیری پناهندگان ایرانی و تشدید فشار بر آنها پرداخت. وزارت خارجه پاکستان هم با صدور بیانه ای اعلام کرد: "دولت پاکستان فعالیت گروههای مخالف دولت جمهوری اسلامی ایران را در خاک خود تحمل نخواهد کرد". رژیم خمینی که به تشبک ری و وحشیگری در سراسر جهان مشهور است، جرات نکرد این جنایت کثیف را به گردن بگیرد و با "زیرکی" حقاقت باری اعلام داشت که مهاجرین عده ای ناشناس بوده اند.

اخیرا نیز یکی از مخالفین سیاسی رژیم در آتریش ترور شد. اکنون مدتهاست که عوامل جمهوری اسلامی در هندوستان به ضرب و شتم و حتی کشتار مهاجرین سیاسی در این کشور اقدام می کنند. اقدامات اخیر، نشان دهنده مرحله نویی از صدور تروریسم دولتی توسط رژیم خمینی در خارج از کشور برای محو نایبوی مخالفین سیاسی خود است.

چندی پیش هم مسئولین امنیتی و سران ساواک خمینی قرار دادی با دولت فاشیست ترکیه مناسا کردند که بر اساس آن دولت ترکیه موظف به تحویل پناهندگان ایرانی مقیم این کشور به جمهوری اسلامی شده است. با این موافقت نامه تاکنون حدود ۴۰۰ ایرانی توسط رژیم ترکیه به ساواک خمینی تحویل شده اند. در میان آنها ۶ نفر از مبارزین رژیم کرد هستند که ظرا عدا آنها بطور جدی وجود دارد. بسیاری از سازمانهای بین المللی حقوق بشر به این اقدام ضد انسانی دولت ترکیه اعتراض کردند و خواهان پایان دادن به عملیات استرداد شدند. دولت ترکیه علیرغم آنکه قرار داد دجانی ۱۹۵۱ را در مورد پناهندگان سیاسی پذیرفته است از پاسخ به این اعتراضات تاکنون شانه خالی کرده است.

رژیم خمینی با این عملیات تروریستی و توافق نامه ها، دامنه سرکوبگری و جنایاتش را به خارج از کشور نیز گسترش داده است. رژیم کناره رضایتی و مبارزه توده های مردم را روز به روز در حال گسترش می بیند، در تلاش است تا این جنبش را از رهبران محروم کند. در نتیجه هم در داخل و هم در خارج کشور سیاست گسترش عملیات سرکوبگری را و محو نایبوی مخالفین سیاسی خود را در پیش گرفته است. این جنایات نه به معنای قدرت جمهوری اسلامی، بلکه به دلیل نتیجه ضعف آن و رهاسازی او و گریز جنبش توده های است. اقدامات تروریستی خمینی علیه مهاجرین سیاسی در کشورهای همسایه با همکاری نزدیک رژیم های دیکتاتوری و وابسته به امپریالیسم آمریکا در ترکیه و پاکستان صورت می گیرد. این عملیات در چارچوب همکاری های وسیع این رژیم ارتجاعی علیه انقلاب افغانی است. جنبش خلق کرد و او خیرا مهاجرین سیاسی ایرانی صورت می گیرد. حوادث اخیر بیش از پیش این ضرورت را ثابت می کند که مهاجرین ایرانی با هر اندیشه، مسلک و تعلق سازمانی باید متحدانه دفاع از زندگی و حقوق و مبارزه سیاسی بر خیزند، به افشاکاری گسترده علیه جنایات رژیم خمینی بپردازند، افکار عمومی جهان را علیه این پیدا کردی ها برانگیزند، اخبار و اطلاعات پیرامون توطئه های رژیم علیه مهاجرین را مبادله کنند و اقدامات هماهنگی را برای مقابله با تحریکات رژیم خمینی پیش ببرند.

ما همه احزاب و سازمانها، شخصیت های دمکرات و آزادیخواه و سازمانهای بین المللی را فرا می خوانیم تا با بررسی جنایاتی که علیه موطنان مهاجرین ما رخ داده است، رژیم خمینی را محکوم کنند، دولت ها پناهنده را تحت فشار بگذارند و تا به جمهوری اسلامی اعتراض کنند، همه امکانات را برای قطع و عدم تکرار چنین حوادثی بکار گیرند و به دفاع از مهاجرین سیاسی و پناهندگان ایرانی بر خیزند.

که در رژیم ایجاد کرده اند، تحت فشار جدی قرار گرفته اند.

در مقابل به این سیاست، نیروهای مترقی در هر کشوری باید از یک سو با یکدیگر متحد شوند و از سوی دیگر با نیروهای مترقی کشورهای دیگر، در اوضاع دشوار کنونی که جنبش ملی خلق کرد را احاطه کرده است تا بین اتحاد جنبش ملی خلق کرد با جنبش کمونیستی را مبرم تر ساخته است. این اتحاد استراتژیک است و نمی توان آن را با اتحادهای تاکتیکی تعویض کرد. جنبش ملی خلق کرد در میان

پیرامون دادگاه ویژه روحانیت

با اعلام خبر تشکیل دادگاه واداسرای ویژه روحانیت، خمینی طی حکمی دوتن از آخوندهای جنایتکار (رازینی و ولحیان) را به سمت حاکم شرع و دادستان دادگاهها واداسرای ویژه روحانیت منصوب نمود. تشکیل این دادگاههای ویژه جلوه دیگری از تشدید فشارهای درون دستگاه حاکمه و بالا گرفتن جنگ قدرت در میان آخوندهای حاکم است. اما رژیم سعی دارد از نگیزه تشکیل این دادگاهها راصرفا، مقابله با خلافکارهایی برخی روحانیون جلوه دهد.

هر چند اکنون دیگر مدتهاست که فساد، رشوه خوری خودسری و انواع جنایات روحانیون زبانزد همه مردم شده است، آنها طی ۸ سال حکومت اسلام با سوء استفاده از اختیارات قدرتی که در رژیم فقها بدست آورده اند، علنا به مردم زور گفته و حقوق آنان را پایمال کرده اند، از راه دزدی و فسادها حتی دارمادانگیره تشکیل این دادگاهها زندگی مجلل فراهم آورده اند. آنها در حالی که در مساجد و مراکز تبلیغاتی سرام آورده اند، مردم را به بهشت آسانی وعده می دهند، خود در همین دنیا و در میان جهنمی که برای زحمتکاران فراهم کرده اند بهشت خود را برپا ساخته اند.

تشدید اختلافات در میان روحانیون حاکم از یک سو و تفرق مردم از مجموعه روحانیت حاکم از سوی دیگر سران رژیم را به چاره اندیشی واداشته است. فرامین اخیر خمینی و تاکیدات امنیتی بر مبارزه با "روحانیت نمایان" و تسهیل برخی تسویه حسابها در میان خودشان و "حفظ ظاهر" در تعهدی و تجاوز اختلافات درونی و قریب مردم و تخفیف کینه آنان نسبت به رژیم فقهاست.

"دادگاه ویژه روحانیت" و "مجازا تها بیی" در حمله لبس چند آخوند در گوشه و کنار کشور نمی توانند بر ظلم و ستم روحانیت بر توده مردم بزند و ریشه قدرت روحانیت در اعمال ستم بر مردم را بکنند.

ریشه این قدرت در آنجاست که آخوندها بیی که با سرمایه داران متحد هستند شده اند، قدرت سیاسی را به قبضه خود در آورده اند و با استفاده از نهادهای سرکوبگری مثل سپاه و کمیته و قدرت دولتی و قدرت اقتصادی عظیم با زار به غارت و چپاول و استعمار و تسعی به حقوق مردم مشغولند. رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم بورژوازیستی و تشوکرانیک است. یعنی رژیمی که آقایی و فرمانروایی روحانیون متحد با سرمایه داران را بر مردم تحمیل کرده است. این رژیم روحانیون را رسماً مافوق قوانین همگانی - تمام آنها بفر مردم و بسود سرمایه داران و حکومتیان تنظیم کرده است - قرار می دهد. حتی دادگاههای آنها از دادگاههای مردم عادی جداست. در رژیم فقها که تسوده مردم با کوچکترین بیانه ای به خود اعدام سپرده می شوند، به زنده اندی طویل الحدت محکوم می شوند، دست و پایشان بریده می شود، چشمهایشان زنده اندی بیرون کشیده می شود، سنگرمی شوند، یک روحانی به هر جنایت و بیستی و پلیدی که دست بزند، نهایتا به خلع لباس محکوم خواهد شد!

تبعیض آشکار رژیم در برابر قانون بسود روحانیت و ممنوعیت آنان از مجازاتهای معمول تنها یکی از عواملی است که باعث تشدید خودسری و ظلم و ستم دستگاه روحانیت بر توده مردم است. تا وقتی روحانیون قدرت دولتی را در دست دارند و از موقعیت سیاسی و اداری خود در جهت منافع شخصی و قشری خود سود می جویند، تا زمانی که هستی مردم، عرضه تعرض و عارت آخوندهای حکومتی است اختلافات درونی یعنی مسابقه آنها بر سر تعدی و تجاوز هر چه بیشتر به حقوق مردم پایان نخواهد گرفت. تنها راه پایان دادن به این ظلم و تعدی بر انداختن رژیم جمهوری اسلامی است. این رژیم است که چنین امتیازات و قدرتی را به مشت آخوند مکار و تفریبش کرده و آنها را بر سر توده مردم حاکم ساخته است. بدون سرنگونی این رژیم، روحانیون همچنان فرمانروا و مافوق مردم باقی خواهند ماند.

دولتهای ارتجاعی منطقه و پاجاریانات بورژوازیستی کشور هیچ متحد مطمئن و پایداری نخواهند داشت. بورژوازی میانه جنبش کمونیستی و جریانات بورژوازی دست کشیده را چه فدا امپریالیستی - دمکراتیک از همکاری و اتحاد با جنبش کمونیستی ایران می گذرد. ما در راه تأمین این اتحاد که راه تحقق آماج های خلق کرد را نیز می کشاید، از هر گام عملی حزب دمکرات کردستان ناپروا استقبال می کنیم.

دهقانان مبارز! مالکان را به روستاها راه ندهید

ادامه جنگ و نظامی شدن صنایع

بن خوار و بار و راهزنی مقامات

۴۰ درصد از تولیدات صنایع سنگین در خدمت جنگ است... ۵۰۰ کارخانه و شرکت صنعتی و تجاری تحت پوشش سازمان صنایع ملی به‌تأمین نیازهای جنگ به‌ویژه تولید قطعات و لوازم یدکی و مهمات جنگی اختصاص یافته است... تا مین کلیه نیازهای جنگی با استفاده از حداکثر امکانات داخلی، مهم‌ترین هدف طرح شرایط نوین اقتصادی است... در سال ۶۵ در صنایع سنگین ۱۵ تا ۱۶ میلیارد تومان قرارداد تولید با بخش دفاعی منعقد شده است... سازمان صنایع و نوسازی صنایع در سال ۶۵ بیش از ۴/۲ میلیارد تومان سفارش پروژه‌های جنگی داشت که ۱/۵ میلیارد تومان آن را انجام و تحویل داده است... زمانی تولیدات تویوس و میخی بوس برپا به تولید صنعت ما بود... اما امروز تولیدات نظامی در مدبرینا همکاران است... می‌توان با زخم سیاه فووق را تکمیل کرد... می‌توان نام مدها کارخانه‌ای را که وسایل مورد نیاز مردم را تولید می‌کند، نامزد کرد... اما امروز قطعات توپ، خمپاره، تانک، مهمات جنگی و غیره تولید نمی‌کنند... کارخانه‌هایی که مستقل از صنایع نظامی ارتش و صنایع به اصطلاح خودکفایی سیاه، به‌کارگرم نگهداشتن شتور جنگ مشغولند، هر روز بر شمارشان افزوده می‌شود... همه این واقعیت‌ها نگرانی‌ها را در زندگی اجتماعی - اقتصادی میهن ما است... صنایع کشور ما اساساً در رژیم شاه و در وابستگی کامل اقتصادی به تکنولوژی، مواد اولیه و کارشناس به کشورهای امپریالیستی گسترش یافت... این صنایع اساساً متکی به واردات قطعات یدکی و مواد اولیه که با ارزش حاصل از فروش نفت خرید می‌شدند... علیرغم تمام این چارچنگال‌ها، این سیاست‌ها در رژیم خمینی منتهی به "حرکت به سوی خودکفایی" و غیره، وابستگی صنایع کشور را ادامه و توسعه یافت... در اندک زمانی نیاز آرزوی صنایع سنگین به حدود ۷۰ میلیارد دلار دیگر شده‌های صنایع به بیش از ۵ میلیارد دلار رسید... بعد از آن وزیر صنایع سنگین، صنایع ایران پایه مشخصه وابسته، ناقص و ضعیف مشخص می‌شود... این‌ها را با این‌ها که با کمالات و قواحت‌شها راه‌های از این وضع تشدید وابستگی به غرب معرفی می‌کنند... کار ملاوا فاج بود که داد ما به با مطلع راه حل در صورت کارشناسی درآمدهای ارزی آسیب‌های جدی به صنایع کشور وارد خواهد شد... با توجه به اینکه درآمد ارزی ارزی رژیم ما سه میزان صادرات و صنعت دلار آمریکا می‌باشد و با دست‌ها در نظر گرفتن اینکه هر دو عامل به‌توانات با از چینی و سیاست‌های اقتصادی قدرت‌های امپریالیستی، به‌ویژه امپریالیسم آمریکا به‌منظور تأمین حداکثر سود انحصارات امپریالیستی، وابستگی شدید دارد، پیش‌بینی کارشناسان درآمدهای ارزی کارمندی نبود... در سال گذشته قیمت نفت از ۲۸ دلار به ۳۰ دلار رسیده... این ۵ دلار سقوط کرد... در ماه‌های اخیر نیز ارزش برای ارزی دلار در برابر ارزهای اروپایی حدود ۴۰ درصد پایین آمد... بدین ترتیب در شرایطی که بخش‌بزرگی از درآمد ارزی صرف هزینه‌های جنگی می‌شد، صنایع کشور ما که به دلیل وابستگی به انحصارات امپریالیستی، سوم‌دیریت و پایین بودن تخصص

کارکنان و غیره نتوانسته بودند با ظرفیت‌های لایسی کارکنند و با اجرای سیاست‌های اقتصادی ضعیف مردمی رژیم خمینی با پایین‌ترین تراشه در مصرفیت خود نیز کار نمی‌کردند... در دست‌ها و شرکت‌های و بتعلیلی کامل قرار گرفتند... مدبرعامل سازمان صنایع ایران اعتراف می‌کنند که تولیدات واحدهای تحت پوشش این سازمان در سال ۶۵ حدود ۲۵ درصد میزان پیش‌بینی شده بود... و رقم پیش‌بینی شده را فاش نمی‌کنند... اما برای توجیه خیانت‌های رژیم با قواحت تمام می‌گویند "نکته بسیار مهمی که با پیشی به‌توجه داشت این است که از سال ۶۴ تا کنون (یعنی از زمان آغاز بحران ارزی)، ارقام کمی‌گویای چگونگی حرکت صنعت کشور نیست، بلکه کیفیت حرکت و تغییر و تحول ناشی از این شرایط... با بدیوردن توجه‌ها معقرا داشته... باشد... این بیان در حقیقت اعتراف به شکست کلیه برپا به‌کارگرم رژیم در راه صنایع است... حال نگاه می‌به "کیفیت حرکت و تغییر و تحول" ادعایی سرمداران رژیم بکنیم... رژیم به‌منظور ادامه جنگ در مقابل با بحران‌های که در این کشور در صنایع شده بود، به اقداماتی چند متوسل شد... در این اقدامات طرح نوین اقتصادی "قراردات" در این طرح تا مین نیازهای دفاعی کشور یعنی قراردادین تمامی کارخانجات اقتصادی و از جمله صنایع در خدمت جنگ ارتجاعی در اولویت قرار گرفت... برپا به "طرح نوین اقتصادی" ضرورت اصلاح ساختار صنایع کشور مطرح شد... معنی این حرف این بود که ساختار صنایع کشور برای تولید و وسایل مورد نیاز جنگ بسرعت نظامی شوند... از آنجا که این امر حاصل از فروش نفت برای تأمین نیازهای ارزی هم واحدهای صنعتی کافی نبود، سران رژیم تصمیم گرفتند که پروژه‌های اقتصادی را به تعویق اندازند مثلاً تمام کارخانجات ذوب فولاد مبارکه به مدت ۵ سال به‌تأخیر افتاد... نتیجه این سیاست ضد مردمی، چیزی جز کاهش قطع تولید همان اندک کالاهای ضروری جامعه، تشدید کمبود کالاهای مورد نیاز و قطع‌گرا نی هرچه بیشتر آن‌ها نبود... اکنون به‌گفته نخست وزیر خمینی "حجم وسیعی از ظرفیت صنعتی کشور به خدمت جنگ گرفته شده است... ظرفیت‌های اقتصادی و صنعتی مردم رنج دیده ما را در آتش جنگ جفا بیست‌گرا نه‌اش بسوزاند... و با نظامی کردن هرچه بیشتر صنایع و دیگر موسسات و شرکت‌ها، بخش عظیمی از امکانات اقتصادی و فنی کشور را در خدمت اهداف پلید خود برپا داده و می‌دهد... با بدیاد نظامی شدن صنایع کشور با سیاست‌های جنگ طلبانه رژیم خمینی مقابل گردید... کارخانجات با بسند در خدمت مردم بود... و برای تأمین وسایل مورد نیاز جامعه کار کنند... در مبارزه علیه نظامی کردن واحدهای تولیدی نقش تعیین‌کننده در درجه اول برعهده کارگران این واحدهاست... کارگران با باید با توسل به اشکال مختلفی علیه اجرای سیاست نظامی کردن صنایع کشور مبارزه کنند و اجازه ندهند که رژیم در خدمت آنها در خدمت ادامه جنگ قرار گیرد... صنایع کفشی ملی و کشت و صنعت کارون، قطع نظرا از انگیزه عینی نیرومند جنبه خود بخودی آن، علاوه بر نقش معین سازمان‌نگران به‌شروان و فعال لیسن کارگری آنچه که مشهود بود، تا شرکت‌های درون‌سی عوام مل حکومت برافزایش امکان‌های بیرونی اعتقالات بود... با بدیاد ملیت‌های چون تغییر مدیریت و با خلق بعد از این با آن مقام مسئول را با توجه به مافع این با آن جناح حکومتی و عوام مل و ارگان‌های مشخص آنها نیز از برای کرد... با بدیاد توجه که مطالبات مطرح شده در اعتصابات قطع نظرا از اینکه این با آن جناح حکومتی با عوام مل شان در آن ذینفع باشند، آنجا منطبق بر شعارهای جنبش کارگری و مصالح کارگران هست یا نه؟ استفاده از تضادهای درونی حکومت و کساکشی عوام مل آن، استفاده از همه‌ا مکان‌های علنی (در تلفیق با کارمندی) برای سازمان‌دهی اعتراضات توده‌ای کارگران و رهبری اعتصابات جنبه‌ها و جنبه‌ها با این ملاک باید صورت گیرد... تا که بدترین اصل، از آنرو ضروری است که با تشدید اختلافات درون حاکمیت بعد از قدرت به‌خانه کارگر، انجمن‌های اسلامی، مدیریت‌ها و اشواغ ارگان‌های وابسته به رژیم در کارخانجات نظیر بسیج کارگری سیاه، اداره حرارت و غیره نیز کشیده می‌شود... و چنانچه حاکم برای بدست گرفتن اهرم‌ها و اقتصاد و مواضع کلییدی،

دولت جمهوری اسلامی برافزایش ۴۰ ریال به سطح حداکثر دستمزدها، ما به‌تأمین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان نیز سهمیه غیرتقدی به عنوان کمک هزینه برای کارگران تا مه‌ل در نظر بگیرد... شوریالی کار در این رابطه اعلام کرد: ۶ قلم کالای اساسی (برنج، روغن، کره، گوشت سفید، پنیر و عدس) از طریق اتحادیه‌ها مکان را اختیار کرد... گران قرار می‌گیرد و به‌منظور تأمین نیازهای این طرح، ۶۰ میلیون دلار از سوی نخست‌وزیری اختصاص یافته و بقیه نیازهای با استفاده از ارز ترجیحی تأمین می‌شود... اما بگفته پیش‌از اعلام این تصمیم، وزارت کار و دیگر ارگان‌ها برای سخت‌تر کردن شرایط استفاده از این سهمیه تمهیداتی به‌قرار زبردیدند: عدم پرداخت وجه مربوطه (۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان) از جانب کارفرمایان در مه‌ل مقرب به منزله عدم کارکرد کارگران تلقی گردید و به‌کارگران در آن ماه‌ها با قطع حقوق و حقوق... به‌کارگرانی که یک روز در ماه غیبت داشته‌اند این کالاهای اساسی می‌گیرد... دریافت شناسنامه کارگری دریافت این الزامی است... و قید و شرط‌ها و پیمان‌های بی‌اساسی دیگر... اما گویا این محدودیت‌ها موافق نبود... لذا قرار شد در این "مخبر" همه ارگان‌های ذیربط و دالیه "ذینفع" فعال شده و به‌جریان خود برسند... علاوه بر وزارت کار قرار شد نهادهای دیگری مثل ستاد بسیج اقتصادی کشور، و احزاب و جمع‌های، اتحادیه‌ها مکان و وزارت بازرگانی، براساس مصوبه شورای عالی کار با یکدیگر همکاری و هماهنگی کنند... بدین ترتیب کارگران تاکنون با یک‌گروه دیگر "ذینفع" دیگر نیز به‌آن افاقه‌دهند، تا به‌کمک یکدیگر محموله را "صحیح و سالم" بدست کارگران و احزاب و برسانند... آری، گلوله‌برفی شوریالی کار را بنظور دست‌بند شد... اول، شوریالی کار گفت: کالاهای اساسی تعیین شده صرفاً از طریق اتحادیه‌ها مکان تأمین شود... بر این اتحادیه‌ها مکان بلافاصله در تأمین و تکمیل آن، گروه‌ها و کوشش‌ها را از جهت سرک کالاهای اساسی حذف کرد... بعد از آن کار "تکلیف" اساسی مشخص را بنظور کلی و مبهم تفسیر کرد: "برخی کالاهای ضروری و غیر ضروری" و سرانجام برای تضمین کامل اجرای مصوبه و تفکر بین غیرتقدی "همکاری و هماهنگی" همه ارگان‌های ذیربط لازم آمد... و فی‌الوقت تولیدی از کرده‌گرا نی وزارت بازرگانی گرفته تا اتحادیه‌ها مکان تشکیل شد... بدین ترتیب گلوله‌برفی دست بدست گشته، زمانی به‌دست کارگران خواهرسید گشته تنها از آن نقطه‌ای باقی خواهد ماند... و اقلیت آنست که فشار بحران و جنگ و گران و تورم کم‌رنگ بر کارگران و فساد نهادهای مقامات دولتی آنچنان شدید است که اینگونه مصوبات ظاهر صلاح دردی را از کارگران دوانخواهد کرد... بدون پایان دادن به جنگ، بدون افزایش دستمزدها متناسب با سطح هزینه زندگی، بدون تثبیت قیمت‌ها و تثبیت شما و جنبه‌های مصرف‌کارگری، بدون کنترل اتحادیه‌ها مکان توسط شما و جنبه‌ها و بدون توزیع عادلانه کالاهای اساسی و ضروری، اقدام دیگری در این شرایط قادر به تعدیل فشارهای وارده بر کارگران نیست... سعی کرده‌ایم که از مطالبات و نیروی کارگران علیه جناح رقیب استفاده کنند... پیشروان کارگری با بدیاد بی‌بند به‌امل فوق‌ا مکان این‌سوء استفاده‌ها را از آنها بگیرند... پراکنده‌ی در صفوف کارگران، توفیق درخششی کردن توطنه‌های عوام مل رژیم و سازمان‌دهی جنبش اعتراضی کارگری در راستای سیاست طبقه‌کارگری، مصالح جنبش خلق و علیه مجموعه دست‌ها که راه دشوار خواهد کرد... مهم‌ترین وظیفه فعال لیسن کارگری در این شرایط یعنی در شرایط انعکاس فزاینده تضادهای درونی حکومت در واحدهای تولیدی و خدماتی عبارت است از: ایجاد و تحکیم هسته‌های مخفی کارگری و استفاده از همه‌ا مکان‌های علنی برای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران... تلاش برای هماهنگی و اتحاد عمل میان همه فعال‌های پیشرو کارگری برای پیشبرد مبارزات صنعتی و سیاسی کارگران... کارافشاگران و آگاه‌گرا نه مستمر در میمان توده کارگران در توضیح ماهیت اختلافات درون حکومتی و ماهیت ضد مردمی و ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی، استفاده از تضادهای و کشمکش‌های درونی مقامات و جناح‌های مختلف رژیم و سوق دادن مبارزه علیه مجموعه رژیم، برای برانداختن کامل آن

اعتصابات کارگری... بقیه از صفحه اول بطور کلی هسته‌های مخفی کارگری در بسیاری از واحدهای مهم هنوز آنچنان‌که باید تحکیم نشده و جای واقعی خود را پیدا نکرده‌اند... مضافاً به اینکه میان فعالین و پیشروان کارگری متعلق به نیروهای سیاسی مختلف نیز هنوز هماهنگی لازم بوجود نیامده و این نقش‌ها عمل پیشرو در شرایط تشدید فشار رژیم علیه طبقه کارگر، مهم‌تر و حساس‌تر می‌گردد... عنعنم جدید در روندهای اعتراضی جاری و یکی از دلایل گسترش دامنه اعتراضات توده‌ای کارگران، به‌تأثیر گرفتن اختلافات درون جناح‌های حکومتی است... این عامل بطور کلی زمینه افشاکاری‌ها و اعتراضات موضوعی را فراهم کرده است... صف‌آرایی نیروها و عوام مل وابسته به رژیم، که بطور فزاینده‌ای تا اعمال جامعه‌داری می‌گردد، بطریق اولی در مبارزات اقتصادی رژیم به‌ویژه در واحدهای کلیدی تولیدی و خدماتی انعکاس می‌یابد... و این امر برای پیشروان و فعال لیسن کارگری مجال کارافشاگران و آگاه‌گرا نه وسیع‌تر و موثرتر را نه تنها علیه این با آن، عامل، این سرمایه‌دار، بلکه علیه رژیم سرمایه‌دار حاکم فراهم می‌سازد... در اعتصابات بزرگی چون اعتصاب کارگران

سعی کرده‌ایم که از مطالبات و نیروی کارگران علیه جناح رقیب استفاده کنند... پیشروان کارگری با بدیاد بی‌بند به‌امل فوق‌ا مکان این‌سوء استفاده‌ها را از آنها بگیرند... پراکنده‌ی در صفوف کارگران، توفیق درخششی کردن توطنه‌های عوام مل رژیم و سازمان‌دهی جنبش اعتراضی کارگری در راستای سیاست طبقه‌کارگری، مصالح جنبش خلق و علیه مجموعه دست‌ها که راه دشوار خواهد کرد... مهم‌ترین وظیفه فعال لیسن کارگری در این شرایط یعنی در شرایط انعکاس فزاینده تضادهای درونی حکومت در واحدهای تولیدی و خدماتی عبارت است از: ایجاد و تحکیم هسته‌های مخفی کارگری و استفاده از همه‌ا مکان‌های علنی برای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران... تلاش برای هماهنگی و اتحاد عمل میان همه فعال‌های پیشرو کارگری برای پیشبرد مبارزات صنعتی و سیاسی کارگران... کارافشاگران و آگاه‌گرا نه مستمر در میمان توده کارگران در توضیح ماهیت اختلافات درون حکومتی و ماهیت ضد مردمی و ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی، استفاده از تضادهای و کشمکش‌های درونی مقامات و جناح‌های مختلف رژیم و سوق دادن مبارزه علیه مجموعه رژیم، برای برانداختن کامل آن

کارگران پیرو! هسته‌های مخفی کارگری را سازمان دهید، از همه امکانات علنی برای سازماندهی مبارزات کارگران استفاده کنید

کارگران پیرو! هسته‌های مخفی کارگری را سازمان دهید، از همه امکانات علنی برای سازماندهی مبارزات کارگران استفاده کنید

حقوق و امنیت قضایی در جمهوری اسلامی

حقوق و دولت اسلامی:

دولت ما زمان اعمال قهریاتی است. اشکال اعمال کماحیت کشورها در نظام حقوقی آن بیان می گردد. تدقیق و تفحص در احوال دولت بدون درک نظام حقوقی آن غیر ممکن است.

حقوق مجموعه امرونی های قانونگذار است که تخلف از آن مستوجب عقوبت و مجازات است. دولتها نقض کنندگان قوانین خود را توسط نیروهای مسلح، به طرق مختلف جزای دهند. قوانین مجازات حربه سازمان یافته مدون سرکوب دولتها است. بنیاد نگذاران جمهوری اسلامی در مقام متقابل و سرکوب یکی از بی نظیرترین انقلابات دوران معاصر از موزه آثار عید متیق وینا مال الله، حقوق منجمد و متروک اسلامی را بیرون کشیده و بر بیگانه انقلاب تزیین نمودند.

حقوق اسلامی از لحاظ تاریخی معروف جامعه عیسوی در حال گذار به فئودالیسم است که متناسب با عرف عرب بدینا مده است. حقوق اسلامی با نضج فئودالیسم در مستملکات دستگاه خلافت اسلامی رشد و توسعه یافت و بر خیز از حقوق ابواب فقه نیز بنا به ملاحظات سیاسی اجتماعی در ادوار مختلف راه تکامل پیمودند و خود را بر مقتضیات تکامل مالکیت فئودالی و کماحیت های سیاسی محلی دمساز نمودند. از مختصات حقوق اسلامی چه در طریقت سنی مذهب ان وجه شیعیان عدم تفکیک نظام جزایی از نظام حقوقی مالکیت است. این آمیختگی تنها نشانه عقب ماندگی فقه اسلامی از تصور تکامل زمان و عدم تناسب مطلق آن با الزامات جامعه بورژوازی است.

اس و اساس حقوق اسلامی را در عرصه مالکیت حفظ مالکیت خصوصی تشکیل میدهد. (الناس لسلطنه علی اموالهم و انفسهم). این ویژگی سخت موردا احترام بورژواهای مسلمان است. دلبستگی سرمایه داران و ملاکین بورژوا به اسلام از نظر طبقه ای ریشه در این خصلت فقه اسلام دارد. (این ویژگی خاص ایسر نیو دکلیه مطلق مسلمانی بویژه بورژوازی و خرده بورژوازی کشورهای عرب نیز شامل چنین تمایلی هستند). جزئیات اسلامی نیز مجموعه مقرراتی است که از مناسبات مالکیت خصوصی دفاعی کند و مخالفان و متجاوزان به حرم مقدس مالکیت را به وحشیانه ترین شیوه ها به مجازات می رساند.

در قوانین جزای اسلامی تفکیک منطقی بین جرایم عمومی و خصوصی وجود ندارد. این بسند مناسبت که در رژیم اسلامی نظام مجازاتها وسیله ای برای انتقام خصوصی است و جزئیات اسلامی فاقد کوچکترین عنصر اجتماعی و باز دارنده است.

بدیهی است وقتی محکمه و قانون شروع در خدمت انتقام خصوصی باشد، عقوبت های شرعی و سلب های خواهند بود بدست زور مندان و زورمداران بسیاری سرکوب توده های محروم. زمانمداران اسلامی و دارنده گان مال و ثروت تحت توجه نظام قضایی اسلامی قادر خواهند بود در قبال پرداخت پول از مجازات برهند و اعمال شیعی خود را تکرار کنند. سه سال بر روشنت در جامعه بورژوازی ایران که جزئیات اسلام بر آن حاکم است، حاکمان سرمایه همزحمته گان را بر سر حاکم است. استثمار می کنند و هرگاه نیز اراده کنند به پشت گرمی دستگاه قضایی مخالفین خود را به قتل می رسانند و به عتبار موقعیت خویش از مکافات رهایی می یابند (تفسیر عمیق از ماده ۴۳ فصل پنجم از قانون حدود و قصاص)

منابع حقوق در رژیم جمهوری اسلامی:

هما نظور که متذکر شدیم در فقه که حقوق اسلامی منبعث از آن است بین جزئیات و حقوق مالکیت تفکیکی وجود ندارد. قوانینی که در رژیم جمهوری اسلامی جاری است عینا قواعد مضبوط در کتب فقهی است. فقهی به اعتبار دستبندی به قدرت سیاسی همه شئون جامعه را در گنجا ب قوانین اسلامی فریخته اند. منابع مورداستناد در رژیم، نعل بال النعل همان مبانی عید عتیق احکام فقهی است. این مبانی عبارتش از: قرآن، حدیث، اجماع و عقل استنباط عقل در شرع نمی تواند از موازین اصلی مذهب فراتر رود. سنی مذهب بنیادگرا نیز بنا تھا و تنها بی همدین منابع استناد می جویند و از این باب است بنیادگرایان شیعه و تفاوت چندانی ندارند.

مقررات کفیری در اسلام:

مبانی مقررات جزایی اسلامی که هم اکنون علیه مردم ایران در دست اجراست، مقتضی از فقه

اسلامی است. قانونگذار رژیم جمهوری اسلامی در اجرای بدون خشنه این مقررات و حقیقتا به عینا این موازین را از تحریر لوسیله خمینی که آن نیز ترجمه می کم و کاست از متون فقهی متقدم چون شهید اول و صاحب جواهر و سرادشتی از کتب محدثین یا منتدین فقهی کلینی است، اخذ کرده و به صورت قانون مدون در آورده است. مجازات های اسلامی به چهار دسته تقسیم می شوند (قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۲۱ مهر ماه ۱۳۶۱ ماده ۷۵ و بعد):

- ۱ - حدود ۲ - قصاص ۳ - دیات ۴ - تعزیرات
- ۱ - حدود: حدود جمع حد است و آن نیز مجازاتی است که مقدار و کیفیت آن در شرع تعیین شده است. از قبیل حد زنا که در جم (سنگسار) است (ماده ۱۰۰) یا حد نوشیدن مشروبات الکلی هشتاد ضربه تازیانه است (ماده ۱۳۱) و یا حد مفسدت الارض.
- ۲ - قصاص: قانون کفیری اسلامی کیفیت اجرای حد مسکورا چنین توصیف می کند:

ماده ۱۳۲ از قانون حدود و قصاص: مرد در حالی که ایستاده باشد و پوشاکی غیر از شتر عسورت نداشته باشد و زان را در حال نشسته که لباسهایش به بدن او بسته باشد، تازیانه می زند.

ماده ۱۳۵ از قانون مذکور: هرگاه کسی چندبار شرب مسکری نماید و بعد از هر بار حد دربار جاری شود در مرتبه سوم کشته می شود.

ماده ۱۳۳ - خوردن مسکریم یا زیاد دست بکنند یا نکنند خالص باشد یا مخلوط موجب حد است. مجازات کسانی که در قوانین اسلامی اتهام آنها محاربه و قسادی الارض است، حد است.

حد محاربه و مفسدت الارض به چهار طریق به اجرا در می آید (ماده ۲۰۲ از قانون حدود و قصاص):

- ۱ - قتل ۲ - آویختن به دار ۳ - قطع دست راست و پای چپ ۴ - تعزیر

انتخاب هر یک از این مجازات های وحشیانه منحصرا در اختیار حاکم شرع است. ماده ۱۹۸ از قانون مجازات اسلامی مفسدت الارض را چنین تعریف کرده است:

هر گروه یا جمعیتی که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه نکند، تمام افراد و هواداران آن گروه یا جمعیت را می دانند و بنحوی در پیشبرد اهداف سازمان فعالیت و تلاش موشوردا رند، محاربه بندها کرده در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند، همچنین جبهه متحدی از گروه ها و اشخاص مختلف تشکیل شود و حاکم و احداث.

یابری جرم سرقت نیز مجازات حد مقرر شده است. حد سرقت به این ترتیب است که در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست از انتهای آن بطوریکه فقط انگشت شصت و کف دست او باقی بماند به اجرا در می آید و در مرتبه دوم پای چپ ساق قطع می گردد و در مرتبه سوم مرتکب به حسی آید و در مرتبه چهارم حتی اگر در زدن دزدی کند، حدش اعدام است.

(ماده ۲۱۸ از قانون حدود و قصاص)

آطوریکه ملاحظه می شود قانونگذار اسلامی هیچ تفاوتی بین جرایم سیاسی و جرایم جنایی قایل نیست و مجازات حد برای کلیه مجرمان عادل و سیاسی به وحشیانه ترین شکل به موردا اجرا گذاشته می شود.

۲ - قصاص: عبارت از ارتکاب جنایت علیسه منتهی که مرتکب قتل و ضرب و جرح شده است. قصاص در مجازات اسلامی به دو دسته تقسیم می شود: قصاص نفس (قتل) و قصاص عضو. در قصاص نفس ورتسه مقتول می توانند قاتل را به همان کیفیتی که مرتکب جرم شده به قتل برسانند. در صورتی که اولیای دم (و رتسه مقتول) از قاتل دیه (خون بها) دریافت دارند، قاتل بدون قید و شرط آزادی می شود و از مجازات معاف می گردد.

اسلامی) بر این اساس هر کسی که مرتکب جنایتی گسرد می شود باید پرداخت دیه که مقدار آن در قانون مشخص گردیده و کسب رضایت مصدوم و محروم و یا ورثه مقتول از کفیر برهد.

ماده ۲ تا ۲۲ از قانون مجازات اسلامی به شرح موارد مختلف و میزان دیه اختصاص یافته است. بطور مثال در ماده ۳ از قانون موموف دریا ب دیه قتل نفس، دیه (خون بها) قتل مرد مسلمان چنین پیش بینی گردیده است.

ماده ۳ - دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور شگانه ذیل است که جانی (قاتل) در ارتکاب هر یک از آنها مخیر می باشد و متعلق آنجا نیز نیست:

- ۱ - یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد (در خصوص شتر لازم است که سن آنها از پنج سال گذشته و داخل در سال ششم شده باشد).
- ۲ - دیه گاو و سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.
- ۳ - یک گوزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.
- ۴ - دیه دست لباس از جمله های یمن
- ۵ - یک هزار دینار مسکوک سالم و غیر مفشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است.
- ۶ - ده هزار دینار مسکوک سالم و غیر مفشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره می باشد.

قانونگذار اسلامی از طرف دقت و موثکافی در اجرای عدالت اسلامی برای بیضه، نشیمن گاه و مردن سگ شکاری و سگ کله و سگ مزرعه نیز با وسواس تمام دیه خاص مقرر کرده است.

۴ - تعزیرات: تعزیرات ادیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرح تعیین نشده و بنظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که بایستی از تعداد حد کمتر باشد.

در اجرای مجازات های تعزیری در ظاهر و در باطن فقه بویا واجتهد مستمیر، توارشته اند، حرف خود را به کرسی بنشانند و در عرصه قانونگذاری برای جرایمی که معمولا در جوامع بورژوازی امکان بروز و وقوع یافته اند، تعیین مجازات کنند و از این لحاظ از مدافعان فقه سنتی عقب نمانند. در حال حاضر بسیاری از قوانین مجازات دوران متشاهی بسا تغییرات اندکی و افزودن مجازات شلاق به مجازات های سابق ما نند و تسعید مجددا رسمیت یافته اند. ما نند جرم برقت " منبت داخلی مملکت " (ماده ۵ از قانون تعزیرات) جرایم برقت اساسی عمومی جعل و تزویر و غصب عتار وین و مشاغل در جرایم منجم و زورا و ماورین دولتی، تخلفات را شنندگی.

آیین دادرسی اسلامی

اصول محاکمات جزایی عبارت است از ترتیبات و قواعد از پیش تصویب شده برای کشف و تحقیق بپیرامون جرایم ارتکابی.

در حقوق جدید، آیین دادرسی مبتنی بر اصل برائت کلیه افراد است و تعقیب متهمان تنها پس از احراز دلایل و قرائین موجه و پس از کسب دستسور از مقامات قضایی ملاحظتدار امکان پذیر است.

اصول دادرسی حاوی قواعدی است که در آن حقوق افرادی که در مظان اتهام قرار دارند، تا قبیل از ثبوت قطعی جرم تضمین می گردد و متهمان از حق دفاع علمی واخذ و کسب مورد نظر خویش در کلیه مراحل دادرسی برخوردارند. بنا بر اصول محاکمات دنیای متقدم، در جرایم عمومی و خصوصی قبیل از اثبات جرم، معترض هیچ کس بیج عنوان نمی توان شد. گرفتن قرار به زور و یا طرح سئوالات انحرافی که منتهم را اذاره اظهار مطالبی علیه خود نماید ممنوع است. اذرا قرار از طریق کتبخه متنوع و چنین اقا بری فاقد ارزش قضایی و اثباتی است.

در حقوق اسلامی مقوله ای بنام آیین دادرسی جزایی وجود ندارد. در فضای اسلامی حاکم شرع نقش مدعی، دابستان و قاضی را توارا ایفا می کند. حاکم شرع اسلامی در صدور حکم فعال مابشاء است و بایبند به رعایت هیچ موازینی در قضاوت نیست. " اسلام در باب قضا و لویبت راه به قاضی داده " (ما نعهی اخرداد ۶۳ - رادیو جمهوری اسلامی). وهیج فایده ای در رعایت حقوق متهم رعایت نمی گردد. اختیارات نامحدوده حاکم شرع بکرات موردا بید و تصریح مقامات رژیم قرار گرفته است:

در اسلام قانون مدون نداریم و روش چنان بوده که ابتدا قاضی از حد جدا گتجا دودعا لت تربیت می کردند و آنگاه قاضی از ادب و براساس علم خود قضاوت کنند (ربیس قوه قضاییه)

فرخوان همبستگی با دلبران در بند

در ماه های گذشته زندانیان سیاسی ایران همچنان شاهد بیگانه و قهرمانان بود. شیران در بند، سیران و بیباک را ستیبا دقرون وسطایی به مقاومت مبارزه قیاماً تصنیف در برابر ظالمان رژیم دست دند، زندانیان در فاصله ۷ ماهه از آزاده سال گذشته تاکنون - شاهد حرکت گسترده اعتصابی بوده است. پس از اعتصاب غذای قهرمانان - ستیبا زندانیان اوین و گورهدشت در آزاده سال پیش، گریزی زندانیان گورهدشت با پاسداران در اردیبهشت از سال روی داد که نتیجه توهم و خونست - زندانیان در جریان رستماری بود. همزمان با اعتراض زندانیان گورهدشت زندانیان سیاسی زندان اوین هم در حال اعتصاب غذا بودند، اعتصابی برای واداشتن همه زندانیان به روزه گرفتن - جاری تنها یک نوبت غذا در شبانه روزی - ستیبا بی دادوبرای اعمال فشار بیشتر زندانیان - بروشگاه زندان رانیز تعطیل کرد. در نتیجه مکان فریدغذا با هزینه شخصی نیز از زندانیان سلب شد. به دنبال این حوادث اعتصاب غذای زندانیان سیاسی آغاز شد. گروه های خمینی از ترس واکنش جمعی خانواده ها، ملاقات آنها را با اعلام خبر - شروع بسیاری سل در زندان قطع کردند شروع به آزار و شکنجه زندانیان، انتقال آنان به سلولهای انفرادی و شیوه های دیگر اعمال فشار نمودند. اما با بیداری دلاورانه فرزندان رشید خلق بر شلاق و گلوله و ددمنشی مزدوران خمینی پیروز گردید و مسئولین زندان را سرانجام مجبور شد تا نروشگاه زندان را بازگشایند.

اعتصابات چند ماهه گذشته در زندانیان سیاسی مرحله ای نوین در مبارزه انقلابیون ایران است. این نخستین بار در چند سال اخیر است که در سراسر - چالهای جمهوری اسلامی، زندانیان سیاسی متحد و یکپارچه به چنین اعتراضات گسترده ای دست می زنند، ارزش و اهمیت این اعتصابات زمانی آشکارتر می شود که می دانیم رژیم زندانیان را رژیم خمینی هیچ ابایی از کشتار دسته جمعی معترضین زندانیان نیز ندارد. به بیان دیگر همزمان با قهرمانان مساعیز غم این احتمال که ممکن است جان خویش را در چنین اعتصاباتی از دست دهند، دست بیابند و مقاومت مبارزه زندانیان زده اند. نتایج این مبارزه قهرمانانه هم در داخل کشور و هم در افکار عمومی جهان اثبات مکرر این امر است که جویه های اعدام، مایه های تیراوانواع وحشیانه ترین شکنجه ها نتوانسته است راه یکجا رجویان راستین خلق را سد کند و نتوانسته است آنها را از آزاداندیشیدن

باز دارد. مبارزه و مقاومت زندانیان سیاسی شکست قطعی و بیپرده گانه تلاش های رانشان داد که گردانندگان رژیم برای درهم شکستن روحیه مقاومت و مبارزه، در زندانیان بدن امید بسته بودند. ایمان و اراده فرزندان فرزندان قهرمانی در خلق بهیچیکه مقاومت با بی وجا نور منشی قرون وسطایی رژیم خمینی را به زانو در آورد. ثابت شد که تلاش های رژیم برای ایجاد فضای وحشت و تسلیم در زندانیان و به تبع آن ایجاد جوترس و انفعال با شکست روبرو شده است خواهی از زندانیان اعتصابی در عین حال به مردم ایران و جهان نشان داد که آنان در چه شرایط غیر انسانی زندگی می کنند و برای کسب چه حقوق ابتدایی می رزمند. و سرانجام اثبات گردید رژیم که هر لحظه در آرزوی به خون غلطاندن تمامی زندانیان مبارز و مقاومت سیاسی است، چگونه در برابر مبارزه متحدانه آنها و حمایت های گسترده مردم ایران و افکار عمومی جهان مجبور به عقب نشینی می گردد. ما و ماورای ما هجالیان رژیم بلافاصله بعد از اعتصابی آنها و خیرا وین دست به اقدامات تلافی جویانه و انتقامی زده اند. اخباری که این روزها از زندانیان رژیم به دست ما رسیده، حاکی از آن است که تعداد دیگری از زندانیان مبارز را با رژیم به سبب فعالیت های انفرادی منتقل کرده و به زیر شکنجه کشیده اند. فعالین اعتصابات و از جمله تعدادی از فداییان خلق در شرایط فوق العاده خطرناکی قرار دارند. وحشیانه ترین جنایت پاسداران، محله به زندانیان زن در زندانیان اوین، ضرب و شتم و هتک حرمت این شیر زنان انقلابی بوده است. تعداد زیادی از آنها به شدت مجروح شده اند.

ما با رژیم گمراه نیروهای مبارز و آزادبخواه را فراموش نمی کنیم. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را تشدید می کنیم. رفقای اسیر ما که در زیر شکنجه و وحشیانه ترین شکنجه ها از شرف خویش و سازمان و مبارزه شان در لاورانه دفاع می کنند، همراه ما دیگر نیروهای سیاسی زندان، به مبارزه یکپارچه و همگانی ما برای آزادی خود امید بسته اند. با یک توجه افکار عمومی را جامعه و جهان را به جنبه ای که در پشت دیوارهای زندان رژیم جمهوری اسلامی رخ می دهد، جلب کنیم. دنیا باید بداند که در جمهوری اسلامی قانون جنگل حاکم است. همه باید جنبه ای رژیم و اخبار مبارزه زندانیان سیاسی را گوش مردم برسانند. به هر طریق ممکن خانواده های زندانیان سیاسی را یاری کنند و اخبار منتقل بشتیبانی ها و مبارزات خود را به زندانیان منتقل کنند. اعضا و هواداران سازمان در خارج کشور باید با فشاری در درگاه های گروهی و مطبوعات مترقی جهان با ترجمه قلم اندازشیرانی سازمان برای آنها، جمع آوری امضا، سازماندهی تظاهرات، تخصص و اعتصاب غذا و سایر اقدامات جنبش همبستگی

اعتراض جهانیان علیه شکنجه و اعدام در ایران

اعتراض نیروهای مترقی و بشردوستانه، شخصیت های برجسته، احزاب و سازمانها، دولتها و مجامع بزرگ بین المللی به رژیم ضد خلقی خمینی که آزادی و انسانیت را به بند کشیده است، هر روز در همه جا می شود و جلوه های چشمگیری به خود می بخشد. مترقی با تمام توان خود می طلبد که به شکنجه و کشتار انسانها و تعدی به حقوق فردی و اجتماعی مردم ما پایان داده شود.

نمایندگان احزاب و سوسیالیست طح طلبه حزب رادیکال های مترقی و حزب کارگر هلند در مجلس این کشور (که نیمی از آرای مجلس را در اختیار دارند) طی نامه ای به وزیر امور خارجه هلند با طرح چند پرسش خواستار بربرسی وضعیت فدا گفیان گمراه در یورش های اخیر رژیم خمینی دستگیر شده اند و سازمان زندانیان سیاسی شدند. گی دوکولوشه سخنگوی فراکسیون کمونیستها در مجلس ملی فرانسه طی نامه ای به ژاک شیراک نخست وزیر این کشور، با طرح مسأله نقض حقوق بشر در ایران و تهاجم وحشیانه رژیم به فدائیان خلق خواستار اعمال فشارهای بین المللی به رژیم خمینی برای قطع این جنایتها شد. تعدادی از اعضای حزب کمونیست بلژیک رهبران سازمان جوانان این حزب و همچنین نمایندگان احزاب کمونیست جهان در بلژیک همبستگی رژیم جویانه خود را با مبارزین در بند همبستگی اعلام کردند و خواستار آزادی آنان شدند. چند تن از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست هلند، شهردار آمستردام و چهار تن از اعضای شورای این شهر، رئیس جنبش فدا گفیان هلند و سازمان زنان حزب کارگر هلند همبستگی خود را با اسیران شکنجه خانی حکومت فقها اعلام کرده و خواستار آزادی آنها شدند.

نوزدهمین کنگره حزب کمونیست نروژ که اخیراً در اسلو برگزار شد، قطعنامه ای در باره جنگ ایران و عراق و دفاع از زندانیان سیاسی ایران به تصویب رساند که در آن تاکید گردید: "شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی و دیگران در ایران با یکدیگر رنگ قطع گردد".

زندانهای سیاسی ایران راگسترش دهند. چنانچه به این ازرقتی قهرمانان ما با یک فرزندانشید خلق در خطر جدی است. با یکدستگاری نیروهای آزادبخواه و بشردوستانه مترقی را فراموش نکنیم تا قریباً خود را برای راهی زندانیان سیاسی، این منادیان خواستار آزادی و عادلانه و شرافتمندانه توده ها را ترک کنند.

وکل رژیم را مورد خاتمه قرار می دهد و این برای ما کمونیستها که آزادبخواه ترین نیروی اجتماعی هستیم دارای اهمیت ویژه است. در حال حاضر کمتر خانواده ای است که از گزند قوانین اسلامی در امان مانده باشد. صدها هزار دهقان طبق قوانین حقوقی اسلامی و با حکم حاکم شرع از زمینهایشان خلع ید شده و مطابق با قوانین جزای اسلامی محکوم به زندان و پرداخت غرامت گردیده اند. میلیونها زن و مرد صرفاً به این سبب که نمی خواهند تحمیلات ارتجاعی رژیم در نحوه زندگی روزمره تن دهند، طبق قوانین اسلامی مورد آزار و اذیت قرار گرفته و می گیرند. صدها واحد تولیدی با حکم حاکم شرع و طبق موازین شرع به سرمایه داران قرار می گیرند و بازرگانان و کارکنان دولتی و بیازندانی گردیده اند؛ رژیم طبق قوانین اسلامی دست و پای هزاران تن از محرومان جامعه که خود زمینه ارتکاب جرم آنها را فراهم آورده است را قطع کرده است. دهها هزار تن از فرزندان دلاور خلق به اتهام دفاع از حقوق مردم طبق قوانین شرع معلول گردیده و یا به جوجه های اعدام سپرده شده و یا به زندان افکنده شده اند. طبق قوانین اسلامی حقوق اجتماعی مردم سلب گردیده و بنیادهای خانواده به سستی گراییده است.

از مضمون اجتماعی خود انترسیاسی در بین خود جدا می دین از دولت را طلب می کرد. در ۱۱ شهریور ماه ۱۳۹۵ برای نخستین بار قانون آیین دادرسی کیفری با نام قوانین موقتی محاکمات جزایی به تصویب رسید. این قانون گامی مهم در عرصه مذهبی کردن دادرسی در ایران محسوب می شود. و این حدیث با ایزاهیت جدی است. این قانون بوسیله دعای از صحنه نظرات ایرانی تهیه شد. در تهیه این لایحه از نظرات آقای آدلر برنی مستشار دادگستری فرانسه نیز استفاده بعمل آمد. حجت الاسلام آقای سید حسن مدرس نیز بر این قانون صحنه گذاشت و پس از آن بعنوان اصول دادرسی کیفری در دادگاهها با دادگستری به مورد اجرا گذاشته شد. (در زمان سلطنت رضاخان و پیش از تشکیل محاکم اختامی و خدشه دار کردن صلاحیت عام دادگستری، عملاً دادگستری از وظایف خویش بعنوان دستگاهی مستقل بازماند و اصول دادرسی در باره جرایم سیاسی و مطبوعاتی عملاً به سوتی اجمال سپرده شد).

سران رژیم ولایت فقیه هم با آنکه علی الظاهر نسبت به مدرسنظردارند، قانون مودتایبید اورا که در مقایسه با زمان تصویب آن، بالنسبه مترقی محسوب می شود، به کناره رها کرده و به شیوه قرون وسطایی بساط قتل و کشتار مردم را تحمیل عنوان قوانین اسلامی به مورد اجرا گذاشته اند. قوانین جزای اسلامی، به معنای ارسامیت و قانونیت بخشیدن کشتار و شکنجه است. رژیم فقها بدون مجری داشتن این قوانین حتی یک لحظه قادر به دوام نیست. دستگاه قضایی و نیروهای سربوکر سازمان یافته رژیم از اهم عوامل برپا داشته رنده این نظام جنینسی است. بنابراین جفا است که مبارزه علیه قوانین اسلامی و دستگاه قضایی رژیم که مجری قوانین اسلامی است به معنای شلیک به قلب نظام شوکرانیک جمهوری اسلامی است. هم اکنون مبارزه علیه قوانین جزایی و حقوقی اسلامی از مواردی است که می توان بیشترین نیرو و را حول آن بسیج کرد. مبارزه علیه این قوانین از این ویژگی منحصر به خود را است که خواستند دیکراتیک اجتماعی به سرعت مضمون سیاسی می یابد

این اظهارات شمشع نقض صریح این اصل است که جرایم و مجازاتها امری مربوط به قانون است نه شرع. عدم اعتقاد رژیم به این اصل به معنای سلب اصیت قیامی از حاکمیت است.

در حقوق کیفری اسلامی، اصل شخصی بودن مجازاتها با قدمت است. آثار ارتکاب جرم انسانی یک فسر در به قارب و نیز دیگران را نیز سرامیت می کنند و در نتیجه کسانی که در وقت جرم دخالت ندارند، در مسؤلیت می یابند. (ماده ۴۶ از باب قصاص و مقررات مربوط به دیات). در حقوق اسلامی اطفال میری از مسؤلیت کاملاً مجزایی نیستند و تنبیه بدنی نسبت به اطفال مجاز نشده می شود (تبصره های ۲ و ۳ ماده ۴۶ قانون راجع به مجازات اسلامی). دلایل اثبات جرم نیز در فقه اسلامی نارس است. با پیشرفت علم و تکنیک استفاده از روشهای علمی مانند انگشت نگاری، آزمایشات و ابزار جرم معاینات علمی مجرم اهمیت روز افزون یافته است. در حقوق جدید قرار استوان ملکه دلایل اهمیت سابق خویش را از دست داده است. در حقوق اسلامی دلایل اثبات جرم وسیله ای برای کشف امرواقتصع شده نیستند، دلایل اثبات بزه در اسلام فقط وسیله ای برای ارمش و جان گیری است که حاکم شرع آن می دهد می شود تا برابری حقوق زن و مرد در ادای شهادت و امکان صدور حکم قاصی مثل بوسیله ادای سوگند، نشانگر آزادی عمل حاکم شرع در قتل عام مردم با توسل به دلایل واهی و سلب امنیت اجتماعی مردم است. (مواد ۲۸ و ۲۸ و ۹۱ قانون حدود و قصاص).

الفای قوانین اسلامی و تدوین قوانین کیفری و اصول دادرسی مترقی و دیکراتیک از لوازم انقلاب در کشور است. اجرای مقررات کیفری اسلامی قبل از انقلاب مشروطیت نیز رواج داشت. انقلاب مشروطیت طغیان مردم بستموده آمده از ستم شاهان و فقیها بود. شمار همگانی و دیکراتیک تشکیل عدالتخانه مستقیم متوجه کوتاه کرد دست حاکم شرع و قوانین مذهبی از جان و مال مردم بود. این شعار صرقتنظر

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

درباره جنگ و وخامت اوضاع در منطقه

★ متن سخنرانی مسئول هیات نمایندگی سازمان در دیدار مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری در اولان با تور.

رفقا و همزمان گرامی!

قبل از همه مایل هستیم مراتب قدر دانسی خود را از حزب مردمی انقلابی و دولت مغولستان به خاطر تدارک این کنفرانس اعلام کنیم. تشکیل این کنفرانس گهرا دستیابی به صلح پایدار در دستور کار خود قرار داده است. به تلاش همگانی برای صلح در آسیا کمک خواهد کرد. وخامت فوق العاده اوضاع جهان جدی بودن خطری تمام هسته ای، ضرورت یک اقدام همگانی مشترک را ایجاب می کند. جهان به اندازه ای از سلاحهای هسته ای انباشته شده است که مقداری از آنها برای محو همه آثار زندگی، در کره زمین، کافی است. خطر هسته ای همه را به یکسان تهدید می کند. چه مخالف جنگ طلب امپریالیسم و چه ارتجاع محلی وجه گشورایی که با کار برود این سلاح و با تولید این بلا قیمن، مخالف هستند. را به یکسان نابودی می کند. این اوضاع بسیار حساسی ایجاب می کند که وضع موجود جهان در چارچوب کونفرانس جدی شود. جهان ما باید از سلاحهای هسته ای خالی شود.

با بدعهدی تسلیم به زورپاها و اساس مناسبات بین المللی گردد. همزیستی صلح آمیز کشورهای با نظام های مختلف اجتماعی باید توسط همه کشورهای رعایت گردد. دوران آتفا ای امپریالیسم مدت ها است که سپری شده است. حق امپریالیستی ناچارند بپذیرند که هر کشوری حلق دارد راه خود را مستقلا بگزیند. باید حق همه کشورها و خلق ها در این زمینه مورد احترام قرار بگیرد. مخالف تجا وزکا امپریالیستی با بدعهدی از خودند که سیاست سخن گفتن از موضع قدرت را کنار بگذارد و رند و ننگلوبا لیسم را ترک کند.

اوضاع خطرناک کنونی، اتخاذ اقدامات فوری و مشخص را ایجاب می کند. این اقدامات باید متوجه کشورها و ماجراجویی مخالف نظامی گرای امپریالیسم و ارتجاع محلی باشد. چرا که مسئولیت وضع کنونی جهان بر عهده امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا است. دولت آمریکا مسئول کشیده شدن مسابقه تسلیحاتی به فراسوی است. مخالف رهبری کهنه ده آمریکا در ایجاد تنش جنگهای منطقه ای نقش اصلی را در اندوختن این جنگها در جهت منافع خود شعله ورتر می دارند. در همه جا نونهایی تشنج و آشوب، رویای امپریالیسم آمریکا مشاهده می شود.

پس از جنگ جهانی دوم، قاره آسیا تا حد خوبی ترین جنگهای محلی بوده است. آسیا با یگانگی های نظامی امپریالیستی راد خود متمرکز کرده است. در شرایط فعلی حادثترین جنگهای منطقه ای، در قاره آسیا و بطور عمده در خاورمیانه جریان دارد. هارترین مخالف نظامی گرای امپریالیسم، سیاست تجا وزکا رانه اعدا در آسیا و اقیانوس آرام به اجرا می گذارند. مخالف برتری طلب آمریکا، امپریالیسم زاپین را تحت فشار گذاشته اند که در مدخلات امپریالیسم آمریکا در منطقه نقش بزرگتری بپذیرد. آنها زاپین را بسوی ملیت ریسم سوق می دهند. مخالف ماجراجوی امپریالیستی در راه ایجاد دبلوک بندی های جدید نظامی تلاش می کنند.

رفقای عزیز!

صلح در آسیا با محو کونونهایی تشنج و با استقرار صلح در مناطق متشنج و درگیر در جنگ ممکن می گردد. انجام این وظیفه دشوار مبارزه مشترک همه خلقها و کشورهای راضوری می سازد. در شرایط کنونی، جنگ ایران و عراق خطرناک ترین کانون تشنج در آسیاست که صلح جهانی را آماج خطر قرار می دهد. بین ایران و عراق ۷ سال است که جنگی بی سرانجام و فاجعه بار ادامه دارد. خسارات انسانی و مالی جنگ غیرقابل جبران است. تاکنون نزدیک به یک میلیون کشته و بیسایرین از آن زخمی، آسیبا ناپدید شده اند. تنها در کشور ما بیش از ۲ میلیون نفر آواره شده اند.

جنگ ۵۰ شوره ۳۰۰۰ روستای کشور را بکلی ویران کرده است. ۵ استان کشور، توان تولیدی خود را از دست داده اند و نیمه ویران شده اند. خسارات مالی که فقط به کشور ما وارد شده است، بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار برآورده شده است. بیش از ۵۰ درصد بودجه کشور صرف جنگ می شود، ارز نفت، صرف خرید سلاح و رفع نیازهای جنگ می شود.

در جمهوری اسلامی فقرا فقیرتر، ثروتمندان ثروتمندتر شده اند. جنگ در تشدید این وضع نقش مهمی داشته است. اقلیت بزرگی از سرمایه داران با بهره گیری از جنگ صاحب سرمایه های افسانه ای شده اند. در نتیجه، تمرکز سرمایه در جمهوری اسلامی

به پایین ترین حد خود در مقایسه با همه سالهای گذشته رسیده است. علاوه بر آن جنگ، وسیله تشدید سرکوب و خفقان بوده است.

جنگ در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز اثرات خود را بنجای گذاشته است.

جمهوری اسلامی برای جلب حمایت ترکیه علیه عراق، به آن کشور امتیازات بزرگی داده است. اغراق نخواهد بود اگر بگوییم که این امتیازات در تقویت مواضع ارتجاع ترکیه علیه بحران در آن کشور، نقش موثر داشته است. همه می دانند که بیمن سنتو بیمنی علیه اتحاد شوروی بود. این بیمن به محور ترکیه - ایران - پاکستان برای محاربه شوروی و مهاجمان جنوبی آن، شکل می داد. انقلاب توریه ۱۹۷۹، عامل انحلال این بیمن شد. مدت ها است که به ابتکار جمهوری اسلامی، محور تکرارا تهران - اسلام آباد دپارته شکل گرفته است.

همچنین با یاد اشاره کنیم که جمهوری اسلامی با کمک کارشناسان غربی، با یگانگی استرا قیسم را که بوسیله آمریکا بی ها ساخته شده بود، دوباره در مرزهای شوروی و ایران بکار انداخته است. علاوه بر آن اخیرا دولت محافظه کار انگلیس موافقت کرده است که جمهوری اسلامی را با رادارهای برکودرت تجهیز کند. این رادارها نیز در مرزهای شمالی ایران بکار می افتند.

نمی توانیم بگوییم که اگر جنگ نبود، جمهوری اسلامی سیاست نزدیکی با امپریالیسم رادریستن نمی گرفت. با این حال جنگ از عوامل عمده تسریع این نزدیکی بوده است. نیا ز جمهوری اسلامی تسلیح و جلب حمایت غرب در جنگ علیه عراق، روابط آن را با دولت امپریالیستی محکم کرده است. حتی روابط جمهوری اسلامی با آمریکا نیز بطور بیمنی و عملا در حال گسترش است. در همان حال روابط رژیم با اتحاد شوروی، محدودتر شده است. تبلیغات تشدید شوروی از عضا صریا پیدار سیاست خارجی و داخلی رژیم خمینی است.

همه شواهد نشان می دهند که امپریالیسم آمریکا بهره بردار اصلی جنگ بوده است. ایالات متحده آمریکا بدنبال آغاز جنگ، "فرماندهی مرکز" را تشکیل داد. ۱۹ کشور در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، در چارچوب تجا وزاپین فرما ندهی هستند. جنگ عامل تشدید جنون نظامی آمریکا و انگلیس در منطقه بوده است. اکنون شیخ حضور نظامی آنان در تقویت می شود. این اوا خود دولت ریگان کشورهای خلیج فارس را برای گرفتن پایگاه هوایی تحت فشار گذاشته است.

اگر جمهوری اسلامی بوسیله غرب تسلیح نمیشد، جنگ تا این اندازه به درازانی کشید. رسوایی "ایران گیت" با رد دیگر مسئولیت امپریالیسم آمریکا در سابقه تسلیحاتی کشورها و در ادامه خونریزی و تشنج در منطقه را بطور خیلی آشکارا به نمایش گذاشت.

هدف امپریالیسم آمریکا از تشویق عراق به آغاز جنگ و حمایت از ادامه آن، غارت منابع منطقه و بهره گیری از خلقهای ساکن آن است. زیر سه چهارم ذخایر نفتی جهان در این منطقه است و ۵۰٪ نفت کشورهای سرمایه داری در این منطقه تولید می شود. دولت ریگان که حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه را با دستاویز قرار دادن دفاع از امنیت آمریکا "یا دفاع از آزادی کشیترانی" شدت می بخشد، در واقعیت امر، اهداف فوق را تعقیب می کند.

مردم ایران بدرستی می گویند که ادامه جنگ بسود تحکیم حکومت خمینی و در جهت منافع امپریالیسم آمریکا عمل کرده است.

مبارزه در راه صلح اوج می گیرد. اکثریت مردم ایران در این مبارزه شرکت دارند. طبقه کارگرایان نیروی اصلی این مبارزه خواهد بود. رژیم با کشتار، به مخالفان جنگ پاسخ می دهد. با این حال دامنه مخالفت با جنگ، بدون هیات خاکسه نیز راه یافته است. در شرایط کنونی موافقان داخلی ادامه جنگ، محدود و محدودتری شوند. امراض خمینی و میلیتاریسم، در راه مبارزه با جنگ بجا مقاومت گسترش یافته است. روبرو شده است. تحت تاثیر این شرایط، جمهوری اسلامی بی شاز گذشته، برکنجه، اخراج و سرنیزه برای ادامه جنگ، تکیه می کند.

ادامه جنگ بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی را عمیق تر کرده است. در نتیجه اوج گیری بحران سیاسی رژیم، مجلس شورای اسلامی کلا فلج شده و حزب جمهوری اسلامی، حیزب حاکم، منحل گردیده است.

در این شرایط سازمان ما و حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی با همه قوا برای صلح و دمکراسی و سرنگونی جمهوری اسلامی، برای تبدیل ایران به عالم صلح در منطقه بپیکار می کنند. این مبارزه در شرایط دشواری صورت می گیرد. دشواری، فقط از برآکنندگی نیروهای مترقی ایران ناشی

نمی شود. علاوه بر آن به این دلیل است که جمهوری اسلامی وحشی ترین رژیم تاریخ معاصر ایران است و به مخالفان خود، با زبان اسلحه پاسخ می دهد. مدت کمتر از سه ماه، در قاصه ژوئن تا سپتامبر ۱۹۸۶، بیش از ۱۰۰۰۰ تن از کارگران و اعضای سازمان مادرپورش و حیانه رژیم دستگیر شدند و زیر شکنجه و شکنجه قرار گرفتند. تاکنون چندان از دستگیر شدگان، زیر شکنجه با بوسیله اعدام به شهیدان رسیده اند. در همه موارد، یکی از "شهادت" دستگیر شدگان، دفاع از صلح بیدرنگ بوده است. در شرایط کنونی تقریبا هیچ امکان قانونی برای فعالیت نیروهای انقلابی وجود ندارد. علیرغم تمام این دشواری ها، سازمان ما، به نبرد علیه جنگ و رژیم بمنظور استقامت، سرنگونی رژیم و انتقال قدرت به خلق ادامه می دهد.

شرایط داخلی برای پیشرفت مبارزه در راه صلح مساعدتر می شود. اکنون اتخاذ تصمیمات مشخص و روشن علیه جنگ از سوی مجامع بین المللی جمهوری اسلامی را پیش از گذشته تحت فشار می دهد و با استقبال مردم ما روبرو می شود.

ما از مواضع قاطع و اصولی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، از جمله مواضع مشترک کشورهای سوسیالیستی عضویمان و رند و برلین، علیه جنگ حمایت می کنیم. این مواضع با استقبال زمینکنان ایران روبرو شده است. مردم ما از موضع جمهوری خلق چین، هند، افغانستان، ویتنام، سایر کشورهای مترقی منطقه در دفاع از قطع جنگ ایران و عراق و بنبرد برای تضمین صلح در سراسر آسیا استقبال می کنند. ما خواهان تشدید تقویت ایمن تلاشها هستند. ما همچنین موضع گیری سازمان ملل و دیگر مخالف صلح دوست بین المللی برای قطع جنگ را مورد حمایت قرار می دهیم. تحرک نویسن مجامع بین المللی و تشدید فعالیت کشورهای جامعه سوسیالیستی ما را در مبارزه در راه صلح نیرومندتر می کند.

رفقای گرامی!

جمهوری اسلامی تلاش می کند با گرفتن امتیازاتی از آمریکا علیه عراق، در مبارزه علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان، تعهدات بزرگتری را بپذیرد. جمهوری اسلامی بختی از موشکهای راکت سال گذشته از آمریکا دریافت کرد. به ارتجاع افغانستان داد. ما جنگ ادامه یافته امپریالیسم آمریکا علیه افغانستان و تلاش دولت برای ضمیمه و خمینی رادراین جنگه قویا محکوم می کنیم. ما خواهان قطع مداخلات امپریالیسم و ارتجاع منطقه در امور افغانستان هستیم و برای پیروزی مشی ما لحه ملی می گوئیم. سازمان ما از کمک های انترناسیونالیستی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به دولت ملت افغانستان قویا جانبداری می کند.

ما خواهان عوج نیروهای نظامی غرب از خلیج فارس و دریای عمان و برچیدن همه پایگاههای نظامی خارجی از این منطقه هستیم. اقیانوس هند باید به منطقه صلح و عاری از سلاحهای هسته ای تبدیل گردد. ما از تلاش مشترک اتحاد شوروی و هندوستان در فرآوردن کنفرانس بین المللی برای اتخاذ تصمیمات عملی در این راه پشتیبانی می کنیم.

ادامه بحران در منطقه خاور نزدیک، از مظاهر خطرناک و تجا وزکارانه امپریالیسم جهانی است. مساله مرکزی در این بحران، ناپدید شدن حق خلق فلسطین در تعیین سرنوشت خود و در تشکیل دولت مستقل فلسطینی توسط امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل است. حل بحران به شیوه آمریکایی یعنی نفی موجودیت مستقل و تاریخی ملت فلسطین شکت خورده و خوا هد خورد. هیچدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین و مصوبات تاریخی آن، ضربه مهلکی بر راه حل های آمریکایی - اسرائیلی بود. ما خواهان وحدت جنبش فلسطینی و تقویت مواضع سازمان آزادیبخش فلسطین بمانا به تنها خلا ناپسند قانونی خلق فلسطین هستیم. ما مداخلات جمهوری اسلامی در لبنان و عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس و تلاش آن در تقویت جنبش غیر قابل اعتماد "حزب الله" را قویا محکوم می کنیم. ما از فراخسوان اتحاد شوروی برای تشکیل کنفرانس بین المللی بمنظور حل بحران خاور نزدیک حمایت می کنیم.

ما جنگ اعلام نشده امپریالیسم آمریکا علیه خلق کامبوج را محکوم می کنیم و از تلاش های جمهوری خلق کامبوج، ویتنام سوسیالیستی و لائوس در جهت حل مساله کامبوج به نفع مردم کامبوج این کشور و تحکیم صلح در این منطقه قاطعا تا حمایت می کنیم.

رفقا و همزمان گرامی!

در شرایط بفرنج کنونی، زمانی که امپریالیسم آمریکا با مویج کوشده باقیه تسلیحاتی را مطابق بر نامه جنگ ستارگان به فضای کیهانی بکشد، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در راه حفظ صلح جهانی فعالیت تلاش می کنند. آنها پیشنهاد می کنند که ما علاوه بر تلاش برای صلح و نیروهای غیرهسته ای، برچیدن پایگاههای نظامی خارجی، بقیه در صفحه ۱۱

بازهم تحریف تاریخ

رفسنجانی در خطبه نماز جمعه ۱۵ خرداد دبه تحریف تاریخ دیگری در مورد وقوع روحانیت در قبال اصلاحات بورژوازی شاه در مورد حقوق زنان پرداخت و گفت: "شرکت خانها در جامعه، حق رای به خانها و مساوات زن و مرد، اینها شعارهای است که همیشه خواب است و وقتی که انقلابیما پیروز شد، اولین کاری که کردیم خانها را در انقلاب شرکت دادیم و حق رای داشتند و معلوم بود که روحانیت برای خانها مخالف نبود اما گواهی تاریخ منبر این ادعاست. یکسری از انگیزه های مقابله روحانیون با رژیم شاه و انقلاب سفیدش را اصلاحات بورژوازی در جهت تضعیف نقش روحانیون در اداره جامعه و در نظر گرفتن پاره ای حقوق بورژوازی برای زنان تشکیل می داد. اصلاحات اقتصادی در جهت گشودن راه رشد سرمایه داری خواهی خواهی شرایط شرکت فعالتر زنان در تولید و سایر عرصه های زندگی اجتماعی را فراهم می آورد. حقوق بورژوازی زن و از جمله حق شرکت زنان در انتخابات و کارهای شغلی بورژوازی در کشور که از بوش تا رفتار و شخصیت اجتماعی زن را تحت تاثیر قرار می داد، با تصور مستقیم با آراخواهی مذهبی روحانیون و تکرار آنان نسبت به شخصیت و حقوق زنان تضاد می کرد، همه اینها روحانیت را به مخالفت با اصلاحات مزبور برمی انگیزت و در مواضع آن زمان روحانیت از جمله شخص خمینی نیز با زن بورژوازی داشت. خمینی در سخنرانی ۱۳ خرداد ۴۲ (روزگارا) در مخالفت با مساوات زن و مرد گفت: "آقای شاه نهمینده می رود با لای آنجا می گوید شما ای حقوق زن و مرد، آقای این را بتوزیع کردند. تو گریه ای هستی که منم بگویم کافرات بیرون کنند، تنگ اینطور، تنگ اینطور... و در تلگرافی که در بیابان ۴۳ به شاه مخابره کرد: نوشت "پس از ادای ترحیم و دعا، بطوری که در روزنامه ها منتشر است دولت در آنجنابهای ایالتی و ولایتی شرط اسلام را در آراء دهنده گان و منتخبین ذکر نکرده و به زنهایم حق رای داده است این امر موجب نگرانی علما و سایر طبقات مسلمین است. مستندی است امر فرما بنده ای قبیل مطالب را از برنامه های دولتی و حزبی حذف نمایند تا موجب دعا گوئی ملت مسلمان نشود".

بعدا از انقلاب روحانیت با بهای استقرار حکومت خویش به مذهبی کردن حیات جامعه پرداخت و این روند در قدم اول دامن زنان را گرفت، اگر چه رژیم در این راه با مقاومتی از زنان روبرسود، اما به حکم قانون جبر و زور و استفاده از آنگاه می بخشی از زنان توانست اصول ارتجاعی مبنی بر

بی حقوقی کامل زنان را به اجرا در آورد. طبق قوانین اسلام زن نیمه انسان است نه تنها حق رای که حقوق زندگی کردن برابر با مرد ندارد. جمهوری اسلامی از برای زنان برای تثبیت پایه های حکومتی استفاده کرده که آشکارترین دشمنی را با حقوق و بعنوان شرکت دادن زنان در جامعه از آن دم می زند، ایجا سیه ای لشکر برای نماز در جمع و جمعاً به ایجا دولتی، تهیه تدارکات پشت جبهه، حضور در مراسم سوگواری شهدای جنگ، مراسم مذهبی و شرکت در انتخابات برای پر کردن صندوقهای رای و موارد مشابه آن است.

هشت سال حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، تاریک ترین و اسارتبارترین دوران حیات زنان میهن ما در تاریخ معاصر ایران رقم زده است. روحانیت پیرو این درک است که: "زن نمی تواند دستهای حکومت و قضاوت را شغال کند، زیرا با اقتضای طبیعت مخالف است و سهمیه اش در ارت نصف سهمیه مردان است و با بهیچ وجه با شتاب و مواضع زیستن را بیوفا ندارد مگر که مربوط به شتمت بیرون شوهر از اوست از شوهر اطاعت نماید... (علامه طباطبائی - کتاب تعدد زوجات و مقام زن در اسلام) از اینرو زن را از بسیاری عرصه های فعالیت اجتماعی راند، تعدد زوجات برای مردان را صورت قانونی بخشد، خود پریشی زنان ننگون بخت را که به نوشته خمینی برای "یک یا یک"، "یک روز" و حتی "یک ساعت" تحت عنوان سهمیه از نظر شرعی مجاز است، صورت قانونی بخشد، زن را از حق حقانیت فرزند و حق طلاق محروم کرد، اورا به کفن سینه هایچید، از بسیاری از حقوق قضایی و فردی محروم داشت و بدینسان بر ابتدایی ترین حقوق زن در خانواده و جامعه قلم بطلان کشید. زنانی که به هر شکل با هر یک از قوانین و معیارها در مورد مقام و حقوق زن در جمهوری اسلامی مخالفت کنند، به خشن ترین وجهی مجازات می شوند. رفسنجانی در شرایطی به دروغ از موافقت روحانیت با حقوق و آزادیهای زنان دم می زند که عملکرد هشت ساله فقها در عمل دشمنی خود را با زنان و برابری حقوقی آنان حتی در محدوده بورژوازی آن، به اثبات رسانده و شش تریستن شوهرها را به مقام زن و در واقع به مقام انسان، به خانواده و جامعه جنبه قانونی بخشیده است.

در شرایطی که مردم میهن ما عرصه های مختلف ساختاری تدمردمی و ارتجاعی رژیم را در معرض آزموده اند، تلاش برای مرفقی خود را در آن راه به جای نمی برد، مردم قضاوت خود را بر اساس مشاهدات و تجاربتشان استوار میکنند، تحریف تاریخ و واقعیت و قضاوت مردم را در مورد جمهوری اسلامی

فاجعه فرهنگی

چندی پیش ۷۵ هزار نسخه از کتابهای نادر، متون قدیمی و نفیس کتابخانه دانشگاه ادبیات دانشگاه امضا سوخت و از میان رفت. در فهرست کتابخانه مشخصات کتب بهشمار می توان یافت که ویژگیهای آن از نظر اهل فن عالی ارزیابی می شود. مثلاً دستنوشته اطباء اشعار ما شب، نسخه خطی اشعار "کمال خجندی" با مقدمه دستنوشته خود استاد عسکری و بسیاری دیگر از نسخ قدیمی آثار مشاهیر علم و ادب امضا و ایران، به این ترتیب بخشی از گنجینه فرهنگی و تمدن پر ارزش میهن ما بطور جبرانناپذیری نابود شد.

این فاجعه تنها نمونه ای از دشمنی جمهوری اسلامی ضدبشری خمینی با هنرمندان فرهنگی مردم و میهن ما است.

خبر نابود شدن کتابهای نادر دانشگاه امضا نه تنها برای فرهنگ دوستان و روشنفکران جامعه ما تکان دهنده و اندوه بار است بلکه همه مردم هردوست و آزاداندیش جهان را متاثر می سازد. اما در رژیم فقهی کهنه پرست، خرافه پرور و ارتجاعی اندیش رژیم آب آزاب تکان نمی خورد، علت آن تحت بررسی قرار نمی گیرد و هیچ کس مورد بازخواست واقع نمی شود. طبیعتاً از رژیم کهنه پرست که یکی کتاب با مضموئی خارج از چارچوب خرافه های فقهی را مجاز نمی شناسد، انتظاری جز این نباید داشت.

اما همه چیز نمی تواند بروفق مراد این متولیان جهل باشد، آنها در برابر میا زده ای که علیه تعصبات کورشان انجام می گیرد، نخواهند توانست پسرده سیه و قرون وسطایی خرافات را بر چهره حیات فرهنگی ما بکشند و آن را خفه کنند. امروز نویسندگان، شاعران و هنرمندان ما با دیدت به دست هم داده، با پاسداری از میراث های فرهنگی و تاریخی مردم و با خلق آثار تازه این تهاجم سیه و ارتجاعی را در هم شکنند، روشنفکران، استادان، معلمان، دانشجویان و دانش آموزان در محیط کار و فعالیت خود در محافل خویش با بهیچفاظ میراث معنوی گذشته و اشاء همدسته فرهنگ و هنر ما مبارز می شوند. در بر توجیهن ما هرگز از آن شکست آزان نباید چهل و جو خردا هید و بدو پیروزی آزان آزادگان و نسو اندیشان

روحانیت حاکم از جمله در مورد زن سبزی آن تغییر نخواهد داد، به قول سعدی در نظر مردم: "دزد، دزد است؛ اگر چه ماه قاضی دارد."

ممکن است به تشدید بیشتر و توسعه جنگ منجر بشود اختراکت و کندی و بی توسیله اجرای قطعنامه فاشر را شریع کنند.

شم از دبیرکل درخواست می کند با مشورت بکا ایران و عراق موضوع محول ساختن تحقیق دربار ساره مسئولیت جنگ را به کت هیات بی طرف مور دبیررسی قرار دهد و در اسرع وقت نتیجه را به شورای امنیت گزارش کند.

هفتم عظمت ابعاد خسارات وارده در طول این جنگ را و نیز نیاز به نوسازی و مساعادت مناسب بین المللی را پس از پایان یافتن محاسبات شخصی می دهد و به این مناسبت از دبیرکل تقاضا می کند گروهی از کسان را از مور مطالعه دربار ساره مساله عمران و آبادانی کند و نتیجه را به شورای امنیت گزارش دهد.

هشتم همچنین از دبیرکل تقاضا می کند با مشورت با ایران و عراق و سایر کشورهای منطقه دربار ساره تدابیر منطقه ای جهت تحکیم امنیت و ثبات منطقه بررسی کند.

نهم از دبیرکل درخواست می کند شورای امنیت را دربار اجرای این قطعنامه آگاه نگارد.

دهم تصمیم گرفته است به هر گونه شرایط اقتصادی می کند برای بررسی کام های بیشتری جهت تضمین مراعات این قطعنامه مجدداً تشکیل جلسه دهد.

در باره جمهوری توده ای مغولستان

جمهوری توده ای مغولستان در آغاز قرن بیستم از نظر اقتصاد، اجتماع و فرهنگی جزو عقب مانده ترین کشورهای جهان بشمار می رفت.

جنبش انقلابی که تحت تاثیر تعیین کننده انقلاب سوسیالیستی اکثریت را گرفته بود، با رهبری حزب انقلابی خلق مغولستان به پیروزی انقلاب دیکراتیک خلقی طی سال ۱۹۲۱ میلادی انجامید.

مغولستان طی سالهای ۴۰-۱۹۲۱ مرحله عمده سوم دموکراتیک را با دورزدن سرمایه داری طی کرد.

جمهوری مردمی مغولستان مرحله ششم پایه های سوسیالیسم را از ابتدای دهه ۱۹۴۰ آغاز نمود در سال ۱۹۶۰ روندتساوی کردن اقتصاد دهقانان فردی به پایل رسید و امروزه بیش از ۴۰ درصد مجموع تولید اجتماعی تقریباً ۳۰ درصد درآمد ملی به صنایع مربوط می شوند.

در برتا به پنج ساله قبلی در آمد مدرسه ها و اقایی مردم ۱۲ درصد افزایش پیدا کرد، تجارت خارجی طی این برتا به دو برابر بیشتر از برتا به پیش بود، بقیه در صفحه ۵

سیاست ادامه... بقیه از صفحه اول

در رابطه با عوامل فوق است که دولت ریگان با پذیرش صدور قطعنامه موافقت کرده است.

با این حال باید گفت که هدف نقشه های امپریالیسم آمریکا در باره جمهوری اسلامی، جسده درسا که گذشته که برای ام کردن آخوندها بیشتر سیاست تحریک آنها را پیش برد و چاه امروزه بیشتر تشدید می کند با برجا مانده و آن نیز بدست آوردن مجدد همه ایران است با بقول برزنیکسی تحق استراتژ: با زکشت به ایران است. از اینرو علیرغم رویدادهای اخیر روابط دو کشور پنهان و آشکارا هر دو سو حفظ خواهد شد.

توافق دول امپریالیستی با دور این قطعنامه توسط شورای امنیت با هر دلیل و انگیزه ای که صورت گرفته باشد، و مستقل از اینکه این دولتها تا چه اندازه در راستای اجرای این قطعنامه همکاری می کنند یا خیر، این اقدام شورای امنیت یک شکست بزرگ سیاسی و دیپلماتیک برای جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی است.

این اقدام شورای علیه خمینی است و سیاست ادا به جنگ توسط اوراد سطح بین المللی با مشکلات جدی روبرو خواهد کرد. از اینرو واکنش رژیم دربار برای اقدام منفی بود، به ویژه که در قطعنامه ۵۹۸ شورای راه محازات متخلف از قطعنامه با زکشته شده است. در این صورت این جمهوری اسلامی است که مجازات خواهد شد.

باید تا کید کرد که تغییر اوضاع بین المللی به زبان سیاست ادا به جنگ توسط خمینی، بنوبه خود امکانات نیروهای انقلابی برای بسیج توده های علیه جنگ و رژیم را افزایش می دهد و شرایط مسلح و غیر مسلح برای گسترش مبارزه در راه و صلح و آزادی ندهی این مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی فراهم می کند.

نظریه اهمیت اقدام شورای امنیت سازمان ملل ما متن کامل قطعنامه ۵۹۸ این شورای را در اینجا نقل می کنیم:

شورای امنیت ضمن تا بید مجدد قطعنامه شماره ۵۸۲ سال ۱۹۸۶ خود، با ابراز نگرانی عمیق از این مناسبت، تقاضا های شورای امنیت برای آتش بس جنگ بین ایران و عراق همچنان به شدت ادا به مداره، و موجب تلفات سنگینی و نابودی مناسبتی شده است، با اینکه آغاز تودا و این جنگ، ضمن ابراز تا سفاراز جنگ مراکز جمعیت کلا غیر نظامی میباران می شود و به کشتی های کشورهای بی طرف

و هوایما های کشوری نیز جمله می شود، قوانین بین انسان دوستانه بین المللی نقض می شود، و بویژه سلاحهای شیمیایی بر خلاف مقررات مبنی بر قتل و له نامعال ۱۹۲۵ ژنو استعمل می شود، ضمن ابراز نگرانی عمیق از تشدید هر چه بیشتر عملیات جنگی بین ایران و عراق و گسترش احتمالی جنگ مستقیم است کلیه عملیات نظامی را بین ایران و عراق به پایان برساند و متقا عداست که حل و فصل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و بی طرفی می با یستی بین ایران و عراق تحق پذیرد و ضمن یادآوری مفساد سازمان ملل متحد، و بویژه تهدید علیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد به فصل مناقشات بین المللی با وسایل مصلحت آمیز بگونه ای که مصلحت عدالت در چنان به محاطه نیفتد، با تشکیلی است که جنگ ایران و عراق صلح را خنثی کرده است. با اقدام بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ و سازمان ملل متحد، به این وسیله:

اولا خواستار آن می شود که ایران و عراق بعنوان نخستین گام مصالحه از طریق مذاکره، فوراً آتش بس برقرار سازند و از کلیه عملیات نظامی در جنگی دریا و هوادست بردارند و بدون تعطیلی کلیه نیروهای خود را به مرزهای شناخته شده بین المللی عقب بکشند.

دوم از دبیرکل سازمان ملل متحد درخواست می کند گروهی از ناظران سازمان ملل متحد را برای مراقبت، تا بید و نظارت بر مراعات آتش بس و عقب نشینی نیروها اعزام کند و همچنین درخواست می کند که دبیرکل با مشورت با طرف های مخالف، ترتیبات لازم را فراهم آورد و گزارش دربار آن به شورای امنیت تسلیم کند.

سوم خواستار آن شده است که اسیران جنگی بس از توقف عملیات خصمانه به موجب سومین میثاق ژنو، مصوب تاریخ دوازدهم ماه اوت سال ۱۹۴۹ بدون معطلی آزاد و به کشور متبوع خویش بازگردانده شوند.

چهارم از ایران و عراق دعوت می کند که در اجرای این قطعنامه و در زمینه کوشش های بهیچ ساری میا نجیگری جهت حل فصل جامع، عادلانه و شرافتمندانه کلیه مسائل موجود، بر طبق اصول مندرج در منشور عمل متحد، بگونه ای که برای طرفین قابل قبول باشد، لازم است با دبیرکل سازمان ملل متحد همکاری کنند.

پنجم از کلیه دیگر کشورهای می خواهد تا بیست و خویشتن از رای به خرج بدهند و از هر گونه عملی که سبه

جنوبی

دیکتاتوری در سراسری سقوط

اواخر تیر - چون دوهوان " دیکتاتورگره نخست وزیر و وزیر کا بینه اش را از کبار ر کرد و ترکیب دولت را تغییر داد. این تغییر دولت، زمانی اتفاق می افتد که هفته - اهرات گسترده و سراسری مردم پایه های آمریکا بی گره جنوبی را به لرزه در آورده است. اعتراضات به نظرات در نظر هرات از محدود ه اها و دانشجویان و شهرشول فرا تر رفتند، ان کارمندان و بیخشی وسیعی از ا قشار میانی ی از شهرهای دیگر گره جنوبی را نیز در بر گرفته تعدا د شرکت کنندگان در نظرات به بیش میلیون نفر رسیده است. و درگیری با نیروهای گروزیسم نیز نه منحصر به روزهای معین، بلکه و گریزهای دنباله دار و چندروزه تبدیل

ت و دامنه موج جدید و نیرومندا اعتراضات گره جنوبی به گام سفید قیما نده است که بحران گره جدی است. و باید " تصدیقاتی " برای آن شد. گام سفید، دستیا روز ارت خا چه آمریکا را سیای شرقی و ا قیای نوس آرام را چینی وانه شول کرد تا از نزدیک بر جریان امور و کنترل کند، اما چند روز نگذشت که ایسین جی خود را به جیمز کلی ما مورویزه رییس واز مقامات مسئول شورای امنیت ملی آمریکا کاخ سفیدی ما هدا سنا بر وی فیلپین را در نوبی نیز تکرار کند. در این رابطه است که با زنده شدن " روتا نو " که آگامی راهبر ه ا دیکتا تور گره جنوبی به پایان عشترکا با دیکتا تور کونی گره درجگاه نا گهان آمریکا به ویتنام شرکت داشته است نا گهان تلاء شمیده با زان آمریکا بی بعنوان یک الیرال بیرون می آید و برخی خواستهای سون رژیم را از دیکتا تور مطا لبه می کند. ه که خود را نا مزد ریاست جمهوری آینده ام کرده است، در کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ به روی کار آمدن " چون دوهوان " گردید. ش داشت. وی ابتدا بست فرماندهی های امنیت اجتماعی را اشغال کرد و پس از زیر کشور دیکتا تور شد، و بلاخره ا کتیسون کمیته سا زاندهی المیک قرارداد رده قرار نوردن نظرات مردم و اما ده کردن کشور برای المیک را - که برای دیکتا تور گره جنبه حیثیتی خواهد داشت - بعهده گرفته با نیروهای سرهنگ با زنده " روتا نو " که بت آمریکا برخورد راست، دقیقاً در جهت نداشتن بین نیروهای اپوزیسیون، جدا کردن عدتل ا قشار میانی از جنبش خلق و نهایتا ن تا توری گره که سابقه تکبیت با روداغ سنگ م خونین بیش از سه هزار نفر از مردم قیام گوانگ چو " در سال ۱۹۸۰ را بر چهره دارد. با زنجش مردم به عقب نشینی ها بی دست زده آزادی نزدیک به ۷۰۰ نفر از زندانیان شول و اجام مذاکرات با برخی رهبران جنبش و... قبیل از هر چیز نشا نگر قدرت جنبش سره است.

بس جیمپو آمریکا نیز جندی پیش طی پیا می به ن دوهوان " ضمن ابراز نگرانی از حصادات

بناگ... بقیه از صفحه ۸
تسلیمات هستدای، محوکا مل آنها طبق ه مذاکرات جدی صورت گیرد. ما از همه این سات و از سیاست خارجی بشردوستانه ایسین احما یت می کنیم. کنون انجا دشو روی دیگر کشورهای سوسیا لیستی کا هش خطر جنگ هستدای و درگیری های منطقه ای ی ابتکارا ت بر شما ری را ارایه داده اند. طه با آسیا و قیای نوس آرام، پیشنها دات اتحاد که بوسيله رفیق کابا جف در ولادی وستوک دوستان ارایه شده اند، راه دستیابی ه صلح باید ا در تریسمی کنند، ایسین اادات، موردا پیدا است. اطمینان می توان گفت که اتحاد دشو روی و جامعه ای سوسیا لیستی با سدا صلح جهانی هستند. با یان ما با ردیگر توجه بین کنفرانس را به بران و عراق و انجا تصمیمات قاطع در جهت دادن به آن جلب می کنیم. ما خواهان کردن هر دو رژیم بخاطر بمباران مناطقی نی و حملات مکرر هابی علیه مناطقی کردنش و کشور و گسترش جنگ به خلیج فارس هستیم. رژیم بخاطر آغاز جنگ و رژیم جمهوری اسلامی بدلیل دادن به آن، با بدقاطعانه محکوم شوند. میریا لیستی به خمینی در ادامه دادن جنگ

جاری، " رفتار احتیاط آمیزتری " را به دیکتا تور توصیه کرده است. و در همین رابطه است که کنگره آمریکا نیز قطعنامه ای برای برداشتن " گام های واقعی به سوی دمکراسی " در گره جنوبی صادر نموده است.

با بدید چرا امیریا لیسم آمریکا در برابر تغییرات سیاسی و اجتماعی در گره جنوبی با این همه حساسیت واکنش نشان می دهد؟ امیریا لیسم آمریکا شبکه مهمی از پایگاه های نظامی در ا قیای نوس آرام دارد. رزمنا و های آمریکا بی حدود ۲۰۰۰ سلاح اتمی را در ایهای منطقه حمل می کنند و نزدیک به ۱۰۰۰ کلاک هسته ای در انبارهای اتمی آمریکا در گره جنوبی ذخیره شده است. علاوه بر این یک ارتش چهل هزار نفره آمریکا بی در جنوب مدار ۳۸ درجه که دو کره را از هم جدا می کند، مستقر است. با این حساب گره جنوبی یک سرپل غیر قابل چشم پوشی آمریکا در منطقه است که همراه با ژاپن فیلیپین و استرالیا خط مقدم جبهه امیریا لیسم را در ا قیای نوس آرام تشکیل می دهد. شما حساسیت های آمریکا در قبال حوادث گره جنوبی تنها م زنگارک ها و تمام ما نورهای دمکراسی خواهی عمال آن، تنها و تنها یک هدف اصلی و مهم را دنبال می کنید: حفظ این سرپل استراتژیک در خط مقدم جبهه!

بحران کنونی گره جنوبی تنها یک بحران سیاسی نیست. ریشه های اقتصادی آن در تکنولوژی و صدور سرمایه خارجی بطور عمده آمریکا بی و ژاپنی آن است که در دهه های ۶۰ و ۷۰ رونقی فریبنده بسد اقتضا دگره جنوبی داده بود و از عمل بیماران شده است. رندیک جانیه ما ادوات بیمنابه مسدل پیشرفت اقتصادی گره جنوبی (۳۰٪ تولید ناخالص ملی گره را ما ادوات آن تشکیل می دهد) بیماریهای با زارهای خارجی را به داخل گره منتقل کرده است. بدهی خارجی گره جنوبی به علت وابستگی آن به سرمایه خارجی به ۵۰ میلیار دلار رسیده است. بر تمام این مشکلات با رستگین و کمربتن هزینه نگه داری و تجهیز ارتش ۶۰۰ هزار نفری راهم با بدافزود که قریب ۴۰٪ از بودجه کل کشور می بسعد. اکنون که مردم گره جنوبی نه تنها دیکتا تور، بلکه دیکتا توری و همچنین تکیه گاه اصلی آن آمریکا را جدی ترا ز همیشه اما ج قرارداد داده اند، کاخ سفید و رژیم گره با تبلیغ " خطر کمونیسم " همچنان تلاش می کنند خواست های دمکرا تیک و تغییرات و تحولات سیاسی و اجتماعی و دمکرا تیزه کردن حیات کشور، از جمله وحدت آزادانه دو کره را سرکوب و خفه کنند. حضور نظامی و سیاسی آمریکا در گره جنوبی به عصری بیگانه و مانع دمکرا تیزه شدن فضای سیاسی و اجتماعی گره، و عامل اصلی استقرار و حفظ دیکتاتوری گره و نیز جدایی مصوعی شمال و جنوب شبه جزیره گره در پیش از دهده اخیر توسط امیریا لیسم آمریکا بوده است. امیریا لیسم آمریکا حتی مانع اجرای موافقتنامه ترک مخاصمه شمال و جنوب که با مساعی سازمان ملل در سال ۱۹۵۲ امضا شد، می گردد. حفظ چنین شرایطی تنها راه تا مین منافع آمریکا است. هر تغییرات منتظره ای استراتژی آمریکا در منطقه را با خطرات زای روبرو خواهد ساخت. رژیم دیکتا توری که تکیه گاه مهم این استراتژی است امروزه کمک آمریکا و با بهره گیری از کلیه امکانات آن می کوشد تا خود را از این تعرض انقلابی حفظ کند. ولی مبارزه اوج یافته مردم گره جنوبی تا کنون بیش از پیش این تکیه گاه را آسیب پذیر کرده و راه را برای فروریختن آن هموار نموده است.

باری رسا نده اند، با بدید جنگ افروزی امیریا لیسم آمریکا و متحدان نا تویسی آن محکوم شود ما خواهان برقراری فوری آتش بس، با زگشت نیروهای دو کشور به مرزهای بین المللی، آغاز مذاکرات بین دو کشور برای حل اختلافات و استقرار صلح دمکرا تیک، مرود دشنا ختن توسل بزور در حیل اختلافات و رعایت اصل عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر بوسيله هر دو کشور، هستیم. هر یک از دو طرف جنگ که در ادامه این تراژدی جهانی اموارورزد، با بدیهه طرق مختلف با مجازات جهانی روبرو شود، ما خواهان تبدیل ایران به عامل صلح در منطقه و اشتراک مساعی کشورهای حوزه خلیج فارس و اقیانوس آرام و سراسری برای رفع کانون های تشنج و تضمین صلح در سراسر این مناطق هستیم. مهمترین وظایف ترین وظیفه همه خلقهای سراسر جهان است. ما خواهان اشتراک مساعی همه خلقها و کشورها برای رفع خطر جنگ از پهنه گیتی هستیم. ما با ردیگر از رفیق زان بین با تموخ، جزب انقلابی و دولت مفلوستان بخاطر زحمات آن در راه تدارک این کنفرانس سراسری می گزای می کنیم و برای مبارزات آن در همه عرصه ها پیروزی های بزرگ، آزومی کنیم

هنر و ادبیات مردمی

در تاریکنا ی این دیار

نه!
در هیچ کجا بنجوئیدش
جهنم،
در زا دگا ه منست.
کلکی سیاه
بر آسمان سید
نقش می تند

وروزها
تصدیه انتظارا
به آوازی بسند سردا ده اند.
پویندگان را در بر ا برنطعی بنهاده اند
بر کلو، طاب دار
هیچ نمی خوا هندشان
مگر گهر
آه... با ژگونه سپهری که توئی
- ای چرخ!
زالوهای چسبده را نگر
بر پیچر کفتا ده بین سردار.
در جا رسوقها
با لهای سیاه مرک گسترده ست
و آفتاب، در پس پرده ست

نه!
بنجوئیدش
نه در آسمان
نه در فرا سوی زمین
جهنم،
در زا دگا ه منست.
شما بیل در زمین ایلین
فرو دمه زما ه
بر رخسار خاک شرمگین
بر ما ه آوایه دریده
در ما ه آوایه پهنه می نکود
شما بلیش ای بد!
اینک
زینت زندانها، حوسرها
و دیار مردگان است
ما و مرا بدین تریه چهره آلودند
چا ه لان.
اینک اما فرود آده

شما بیل بی معجزت
شما بیل این قومکش بی بدیل
که نامش، ورد مرده خواران
و بسند دیده گور کزان است.

نه!
در هیچ کجا بنجوئیدش
شیطان،
در زا دگا ه منست.
در تاریکنا ی این دیار
سرک به در پیچه های بسته کشیدم

سردخفتگان، خرنا سه بود
و ترسیدگان، بیشتا پیش
در تا بوته خفته
روسیبا ن حدیث خوان
دزدان، مساله گو
روسیان، عربی دان بودند
و در خانه های پنهان
انوشه گرسنگان
دست برده به قیفه تسدیر
که چهره خشمنا، آهن واشک بود
و پنا به نو کیشا می دادند
که شراب آینده را
در نهان نگاه می رسا تندند

وبه آوازی
که بر روزنا مه های روشن می دیدند
هما ره گفته ام:
زمین، ما در همه را زها
سرچشمه همه آوازا ست
نه!

در هیچ کجا بنجوئیدش
آتش نشان
در سر زمین منست!
میرزا آقا عسگری (ما نی)

